



رویای ناتمام؛

صدایه که در آواره‌گه طغیان می‌کند



نوای آرامش بخش ویولن صنف آموزشی را فرا گرفته است. صدایه که قرار بود در گوشه‌های از افغانستان نواخته شود، این روزها در جای دیگری در سوگ نرسیدن به آرزوهای دختر جوانی نواخته می‌شود که خودش در دیار غربت و روحش در جاده‌های کابل پرسه می‌زند. نامش تمنا است، اما به تمناهایش دست نیافته است. او قصد داشت در روز فراغت از دانشگاه، زمانی که کلاه باروری دانش را به سمت رسیدن به رویاهایش پرتاب می‌کند، ویولن بنوازد و برای استقبال این روز ویولنش را بلندتر و قشنگ‌تر...



پایان نشست دوحه؛

زنان خواستار توقف فرصت‌سازی برای طالبان هستند

فاجعه سقوط؛

آرزوهای دختر جوانی که با نخ و سوزن دوخته شده است

طالبان در نورستان یک نظامی پیشین را تیرباران کردند



۸صبح، نورستان: منابع محلی در ولایت نورستان می‌گویند که طالبان یک افسر نیروهای ویژه ارتش حکومت پیشین را در ولسوالی وامای این ولایت تیرباران کرده‌اند. منابع به روزنامه ۸صبح می‌گویند که این فرد محمدجعفر نام داشت و ساعت ۸:۰۰ صبح سه‌شنبه، ۱۲ ثور، جسد تیرباران‌شده‌اش از ولسوالی واما پیدا شده است. منابع می‌افزایند که جعفر پس از روی کار آمدن طالبان بیکار شده بود. به گفته منابع، پیش از این نیز چندین بار بالای این نظامی پیشین حمله شده بود. طالبان در نورستان تا کنون در این مورد چیزی نگفته‌اند.

بازداشت، شکنجه و قتل نظامیان حکومت پیشین توسط طالبان مورد تازه‌ای نیست. پیش از این نیز این گروه همواره دست به بازداشت، شکنجه و قتل این نظامیان زده‌اند. در آخرین مورد، طالبان یک پولیس زن حکومت پیشین را روز پنج‌شنبه، ۷ ثور، شب‌هنگام از خانه‌اش در مرکز ولایت غزنی بازداشت کرده‌اند.

نشست دوحه به هدف به رسمیت‌شناسی طالبان برگزار نشده بود

گوتزش؛

قبول است و در حالی که شاهد حمله‌های مکرر حقوق زنان هستند، باید صدای خود را بلند کنند. او اضافه کرد که نشست دیگری نیز در مورد افغانستان برگزار خواهد شد. آنتونیو گوتزش اما در مورد مکان و زمان نشست معلومات ارایه نکرد.

دیپلرک سازمان ملل در پاسخ به این پرسش که چه زمانی با طالبان گفت‌وگو خواهد کرد، گفت: «وقتی که لحظه مناسب فرا برسد من گفت‌وگو با طالبان را رد نخواهم کرد، اما امروز لحظه مناسب برای گفت‌وگو با طالبان نیست.»

وی علاوه کرده که سازمان ملل که در دو دهه گذشته در کنار مردم افغانستان بوده، همچنان به حمایت از مردم این کشور متعهد است.

گفتنی است که هند، چین، فرانسه، آلمان، اندونزی، ایران، جاپان، قزاقستان، قرقیزستان، ناروی، پاکستان، قطر، روسیه، عربستان سعودی، تاجیکستان، ترکیه، ترکمنستان، امارات متحده عربی، بریتانیا، امریکا، اوزبیکستان، اتحادیه اروپا و سازمان همکاری اسلامی، از شرکت‌کننده‌گان نشست ویژه سازمان ملل متحد در مورد افغانستان در دوحه قطر هستند.

روبرو هستند، اما نتیجه این شده است که همه طرف‌ها باید در مورد افغانستان رویکرد هماهنگ داشته باشند. گوتزش اضافه کرده است که شرکت‌کننده‌گان نگران ثبات افغانستان هستند و نگرانی خودشان را در این مورد ابراز کرده‌اند.

به گفته وی، ارزیابی پیچیده‌گی بحران افغانستان دشوار است چون ۹۰ درصد مردم افغانستان در فقر زنده‌گی می‌کنند، شش میلیون کودک و مردان و زنان افغانستان در شرایط نزدیک به قحطی زنده‌گی کرده و کمک‌های بشردوستانه تبخیر می‌شود.

او تصریح کرده است: «امیدواریم قطع‌نامه اخیر که خواستار یک رویکرد یکپارچه در جامعه بین‌المللی شده، بتواند چراغ راه ما در برخورد با مسایل افغانستان شود.»

دیپلرک سازمان ملل همچنان گفته است: «با توجه به حضور قابل توجه گروه‌های تروریستی، نبود دولت فراگیر، بدتر شدن وضعیت زنان و مساله قاچاق مواد مخدر همه باهم درهم تنیده هستند. مساله نادیده گرفتن یک اولویت به جای اولویت دیگر نیست. بلکه مساله رسیدن به یک رویکرد هماهنگ است.»

به باور او، ممنوعیت کار برای زنان در انجوها غیرقابل

آنتونیو گوتزش، دبیرکل سازمان ملل متحد روز سه‌شنبه، ۱۲ ثور، پس از برگزاری دو روز نشست در دوحه، پایتخت قطر که در پشت درهای بسته برگزار شده بود، در یک نشست خبری ظاهر شد. او گفته است که اشتراک‌کننده‌گان نشست دوحه در مورد حضور گروه‌های هراس‌افکن، نبود ساختار فراگیر، اوضاع حقوق بشری به‌شمول تصمیم‌های اخیر طالبان در برابر زنان و دختران و مواد مخدر ابراز نگرانی کرده‌اند.

او در این نشست گفته که هرچند با محدودیت‌هایی



۸صبح، کابل: دبیرکل سازمان ملل متحد در نشست خبری در دوحه می‌گوید که نشست دوحه به هدف ایجاد یک راهکار مشترک بین‌المللی از بهر رسیده‌گی به اوضاع افغانستان بود نه در مورد به رسمیت‌شناسی طالبان.



کشورهای منطقه از طالبان چه می‌خواهند؟

یک جوان در لوگر کشته شد

۸صبح، لوگر: مقام‌های امنیتی طالبان در ولایت لوگر می‌گویند که یک جوان در روستای زرغون‌شهر ولسوالی محمدآغه این ولایت با ضرب گلوله کشته شده است. فرماندهی امنیه طالبان در لوگر روز سه‌شنبه، ۱۲ ثور، با نشر خبرنامه‌ای گفته است که این رویداد ناوقت روز دوشنبه، ۱۱ ثور، اتفاق افتاده

است. در خبرنامه آمده است که طالبان در پیوند به این رویداد یک تن به نام ابراهیم را گرفتار و بازداشت کرده‌اند. این در حالی است که روز دوشنبه، ۱۱ ثور، یک زن در منطقه لوندیانی ولسوالی دهرآود ولایت ارزگان، از سوی برادر شوهرش کشته شد.

فساد و بی‌کفایتی سازمان ملل در افغانستان، به روایت عجم‌اوغلو و رابینسون





آقای گوترش، آموزش زنان مهم است، اما کافی نیست!

هرچند محروم ساختن زنان از آموزش یکی از زیان‌بارترین اقدام‌های طالبان در افغانستان است و همه کشورهای دنیا علاوه بر نهادهای اسلامی و سازمان‌های بین‌المللی آن را محکوم کرده‌اند و باید جلو این ستم در حق میلیون‌ها دختر افغانستان گرفته شود، اما تقلیل دادن همه مشکلات افغانستان به مساله آموزش دختران غلط است و کسانی که به سود طالبان لابی‌گری می‌کنند، به‌شکل مغرضانه این جنبه را برجسته‌تر می‌گردانند. برجسته کردن این موضوع به قیمت کم‌رنگ ساختن سایر مصیبت‌هایی که طالبان برای شهروندان افغانستان به ارمغان آورده و منطقه را در آستانه تهدیدات جدیدی قرار داده‌اند، برساختن روایتی نادرست از مشکلات بی‌شماری است که گریبان‌گیر مردم افغانستان است. سرمنشی ملل متحد، اتونویو گوترش پس از نشست اخیر دوحه، به شماری از مشکلات کنونی افغانستان اشاره داشت، اما وی نیز بر مساله آموزش تاکید کرد و از طالبان خواست که به سیاست محروم ساختن زنان از آموزش و کار پایان بدهند.

مشکل افغانستان ناشی از فقدان نظام مشروع و برآمده از رای مردم است. گروهی مسلح با تاریخچه‌ای آکنده از کشتار و خشونت بر این کشور مسلط شده است و با سرکوب همه نیروهای سیاسی و اجتماعی به تحکیم پایه‌های حاکمیت خود می‌کوشد. این گروه نه به خواست و اراده مردم احترامی دارد، نه تنوع موجود فکری، فرهنگی، زبانی، مذهبی و تباری را به رسمیت می‌شناسد، نه به حاکمیت قانون و نقش قانون اساسی بهایی می‌دهد، نه تفکیک قوا را قبول دارد، نه قوه قضاییه مستقل را می‌پذیرد، نه به چیزی به نام شورا و پارلمان تن می‌دهد، نه به حقوق شهروندی باور دارد و نه به الزامات زنده‌گی در جهان جدید و کنوانسیون‌های بین‌المللی توجهی نشان می‌دهد.

هر نشست بین‌المللی درباره افغانستان باید معطوف به اعاده نقش مردم به‌عنوان منبع مشروعیت باشد، چه در مشارکت با طالبان و چه بدون مشارکت با این گروه. اگر این گروه تصمیم بگیرد از نظامی‌گری دست بکشد، خشونت را کنار بگذارد و به یکی از احزاب سیاسی تبدیل شود که به‌شکل قانونی در کنار سایر احزاب و گروه‌ها فعالیت داشته باشد، آنگاه مردم آماده خواهند بود که از گذشته آن چشم‌پوشند تا راه به صلح و ثبات پایدار گشوده شود.

اگر قرار است روی نقشه راه برای آینده افغانستان بحث و گفت‌وگو صورت بگیرد، باید بسته‌ای جامع روی دست گرفته شود که حق آموزش و کار برای زنان افغانستان بخشی از آن باشد، نه مهم‌ترین آن؛ زیرا مهم‌ترین آن حق مردم در تعیین سرنوشت‌شان است. تمام تصمیم نادرست و تبه‌کارانه طالبان در افغانستان ناشی از این است که این گروه به مردم پاسخگو نیست و مشروعیت خود را از اسلحه و کشتار می‌گیرد نه از خواست و اراده مردم. اساساً ممکن نیست که با تحمیل حاکمیت یک گروه شبه‌نظامی و با انکار اراده مردم اصلاحی در وضعیت پیچیده و بحرانی کشور پدید بیاید. اگر به ریشه مشکلات افغانستان پرداخته نشود، درس خواندن دختران براساس نصاب تعلیمی طالبان که افکار ایدئولوژیک خود را بر آنان تحمیل کنند، بر مشکلات این کشور خواهد افزود و این کار نه خدمتی به حال دختران است و نه کمکی به رشد فرهنگ و دانش.

لغو موقت ممنوعیت سفر متقی؛ طالبان: متقی اواخر هفته روان به پاکستان می‌رود



۸ صبح، کابل: وزارت امور خارجه طالبان تایید کرده است که امیرخان متقی، سرپرست این وزارت، اواخر این هفته در راس هیاتی به اسلام‌آباد، پایتخت پاکستان، سفر می‌کند. ضیا‌احمد تکل، معاون سخنگوی وزارت امور خارجه طالبان، روز سه‌شنبه، ۱۲ ثور، با نشر یک نوار تصویری در توئیترش گفته است که روابط دوجانبه سیاسی، تجاری، ثبات منطقه‌ای و ترانزیت میان دو کشور، محور این «گفت‌وگوهای همه‌جانبه» است.

او افزوده که در این سفر قرار است متقی در نشست‌های سه‌جانبه با وزیران امور خارجه چین و پاکستان نیز شرکت کند.

به گفته وی، سرپرست وزارت خارجه طالبان دیدار و گفت‌وگوی جداگانه با وزیر خارجه چین هم خواهد داشت. این در حالی است که اعضای کمیته شورای امنیت سازمان ملل متحد توافق کرده‌اند که امیرخان متقی با وجود حضور در فهرست تحریم‌های این سازمان، به پاکستان سفر کند. رویترز دوشنبه‌شب، ۱۱ ثور، گزارش داده است که بر بنیاد این توافق، متقی می‌تواند که بین روزهای ۶ تا ۹ ماه می، به اسلام‌آباد سفر کند. در بیانیه شورای امنیت سازمان ملل آمده است که اسلام‌آباد تمام هزینه‌های مربوط به سفر وزیر خارجه طالبان به پاکستان را پرداخت خواهد کرد.

کمیسیون حقوق بشر:

عفو به اصطلاح عمومی طالبان دروغی بیش نیست

۸ صبح، کابل: کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان بازداشت و شکنجه متنفذان، نظامیان و کارمندان حکومت پیشین توسط طالبان را نکوهش کرده و خطاب به جهانیان گفته است که عفو به اصطلاح عمومی طالبان دروغی بیش نیست.

کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان روز سه‌شنبه، ۱۲ ثور، با نشر اعلامیه‌ای گفته است که استخبارات طالبان به بازداشت، تهدید و شکنجه روشن‌فکران، منتقدان و کارمندان و نظامیان دوران جمهوریت ادامه می‌دهد. این کمیسیون از چندین مورد بازداشت توسط طالبان یادآور شده است.

یک زن در ارزگان کشته شد

منابع روز سه‌شنبه، ۱۲ ثور، می‌گویند که این رویداد بعد از ظهر روز دوشنبه، ۱۱ ثور، رخ داده است.

این زن نزدیک به پنج سال پیش ازدواج کرده بود. مسوولان امنیتی طالبان، متهم را بازداشت کرده‌اند. تا کنون علت و انگیزه این رویداد مشخص نشده است.

این در حالی است که روز یکشنبه، ۱۰ ثور، نیز یک کودک هفت‌ساله در ولایت غزنی به‌گونه شنیع از سوی افراد ناشناس به قتل رسید. این کودک خردسال در اثر لت‌وکوب بیش از حد جان باخت.



۸ صبح، ارزگان: منابع محلی در ولایت ارزگان می‌گویند که یک زن در منطقه لوندیانی ولسوالی دهرآوود این ولایت، از سوی برادر شوهرش کشته شده است.

رویداد ترافیکی در بغلان جان شش تن را گرفت

۸ صبح، بغلان: منابع محلی در بغلان می‌گویند که در نتیجه رویداد ترافیکی در این ولایت شش تن کشته شده‌اند و یک تن دیگر زخم برداشته است.

این رویداد ترافیکی صبح روز سه‌شنبه، ۱۲ ثور، در ساحه خواجه الوان، از مربوطات حوزه سوم شهر پلخمیری، مرکز ولایت بغلان، رخ داده است.

براساس اطلاعات منابع، این رویداد در پی برخورد

سعید خوستی: مخالفان طالبان را در خارج با چاقو بکشید

۸ صبح، کابل: سعید خوستی، سخنگوی پیشین وزارت امور داخله طالبان، مخالفان این گروه در داخل و خارج از افغانستان را تهدید به مرگ کرده است.

سخنگوی پیشین وزارت امور داخله که ظاهراً در حال حاضر سمت رسمی ندارد، پیش از چاشت روز سه‌شنبه، ۱۲ ثور، در توئیتی این تهدید را مطرح کرده است.

خوستی نوشته است: «فراری‌ها را یکی یکی با چاقو بکشید. اگر کسی علیه کشور موعظه کرد، بروید آن‌ها را بکشید. آن‌ها حیوانات بسیار بی‌رحم و وحشتناکی هستند.»

او افزوده است: «ما صدها داوطلب در اروپا و امریکا داریم. آن‌ها فقط انسجام و رهبری می‌خواهند.»

این عضو گروه طالبان گفته است که هر کشوری «دشمنان» خود را در خارج می‌تواند هدف قرار دهد، آنان چرا نتوانند.

سخنگوی پیشین وزارت امور داخله طالبان پیش از این نیز به دلیل نکاح اجباری با الهه دلاورزی، لت‌وکوب، شکنجه و زندانی کردن او خبرساز شده بود.

ادعای منابع:

یک فرمانده طالبان در پنجشیر به زور وارد خانه‌ای شده و بر زنی تجاوز جنسی کرده است

۸ صبح، پنجشیر: منابع محلی مدعی‌اند که مولوی متقی، فرمانده تولی قرارگاه فرماندهی امنیه طالبان برای پنجشیر، به زور وارد یک منزل مسکونی در این ولایت شده و بر یک زن تجاوز جنسی کرده است.

یک منبع معتبر از صفوف طالبان در پنجشیر در صحبت با روزنامه ۸ صبح گفت که این رویداد روز دوشنبه، ۱۱ ثور، در روستای فرویل، از مربوطات مرکز این ولایت رخ داده است.

منبع افزوده که مولوی متقی هنگام تجاوز جنسی «بالفعل» از سوی نیروهای استخبارات داخلی فرماندهی امنیه طالبان در پنجشیر بازداشت شده است.

منبع تصریح کرده است: «مولوی متقی، به زور وارد یک خانه در قریه فرویل شده و بالای آن زن تجاوز جنسی کرده است. یکی از اعضای خانواده به‌گونه پنهانی به قوماندانی تماس گرفته و نیروهای استخبارات بالفعل وی را گرفتار می‌کند.»

در همین حال، برخی منابع محلی می‌گویند که مولوی متقی در این منطقه بالای یک پولیس زن تجاوز جنسی کرده است، اما منبع طالبان این ادعا را تکذیب کرد و گفت: «نی، نی، زن پولیس نبوده، از باشندگان همان منطقه است.»

مولوی متقی، از باشندگان اصلی ولایت قندهار است و در خانه رییس صحت عامه حکومت پیشین در منطقه پاراخ، از مربوطات مرکز پنجشیر، زنده‌گی می‌کند.

منابع هویت پولیس زن را که مورد تجاوز قرار گرفته افشا نمی‌کنند، اما می‌گویند که این زن شوهر دارد.

گفتنی است که برخی از مقام‌های طالبان از زمان آغاز حاکمیت‌شان به این سو، بارها متهم به تجاوز جنسی شده‌اند.

در آخرین مورد، پسر یک فرمانده طالب با یک جنگ‌جوی دیگر این گروه، حوالی پنج‌شنبه‌شب، ۷ ثور، در منطقه صادسیاه شهر فیروزکوه، مرکز ولایت غور، پس از آن‌که نتوانستند بالای یک دختر جوان تجاوز کنند، او را با ضرب گلوله کشتند.

زنان خواستار توقف فرصت‌سازی برای طالبان هستند



در روز پایانی این نشست، جمعی از فعالان مدنی، مدافعان حقوق بشری و حقوق زنان با راه‌اندازی حرکت جدیدی زیر نام «حرکت نه به طالب» در شبکه‌های اجتماعی به ویژه در توئیتر خواستار توقف فرصت‌سازی برای طالبان شده‌اند.



امین کاوه

نشست دوحه در اوج اعتراض‌ها و واکنش‌های گسترده شهروندان افغانستان به پایان رسید. دبیرکل سازمان ملل متحد در پایان این نشست گفته است که اشتراک‌کننده‌گان توافق

کرده‌اند تا یک رویکرد هماهنگ در مورد افغانستان داشته باشند. او حضور چشم‌گیر گروه‌های تروریستی، نبود دولت فراگیر، بدتر شدن وضعیت زنان و گسترش قاچاق مواد مخدر در افغانستان را در هم تنیده توصیف کرده است. دبیرکل سازمان ملل متحد همچنان بیان کرده که اولویت نماینده‌گان کشورهای اشتراک‌کننده در این نشست راجع به افغانستان متفاوت است. او خواستار رویکرد هماهنگ آنان درباره افغانستان شده است. دبیرکل سازمان ملل متحد داشتن استراتژی تعامل با طالبان را آنچه با ثبات ساختن افغانستان و پاسخگویی به نگرانی‌های حقوق بشری کشورها خوانده، ضروری دانسته است. با این حال، شهروندان کشور خواستار تحریم نشست دوحه شده‌اند. فعالان مدنی و زنان، خواستار توقف فرصت‌سازی برای طالبان هستند. آنان از شهروندان کشور در سراسر جهان می‌خواهند تا علیه طالبان بسیج شوند.

نشست دو روزه سازمان ملل متحد در دوحه، پایتخت قطر با حضور نماینده‌گان ویژه حدود ۲۵ کشور جهان در امور افغانستان و شماری از سازمان‌های بین‌المللی با طرح اولویت‌دهی به رویکرد هماهنگ جامعه جهانی راجع به افغانستان، به پایان رسیده است. این نشست در پشت درهای بسته بدون حضور نماینده‌گان طرف‌های درگیر افغانستان برگزار شده بود. زنان و دختران معترض و اکثریت شهروندان افغانستان در کشورهای مختلف جهان از یک هفته به این سو از آن چه را که آنان زمینه‌سازی و سفیدنمایی طالبان می‌خوانند، اعتراض کرده‌اند. در روز پایانی این نشست، جمعی از فعالان مدنی، مدافعان حقوق بشری و حقوق زنان با راه‌اندازی حرکت جدیدی زیر نام «حرکت نه به طالب» در شبکه‌های اجتماعی به ویژه در توئیتر خواستار توقف فرصت‌سازی برای طالبان شده‌اند.

«حرکت نه به طالب» چه می‌گوید؟

این حرکت از سوی جمعی از زنان و مردان ایجاد شده است. آنان این حرکت را نماینده مطالبات و خواست‌های همه‌گانی مردم افغانستان می‌دانند. به گفته آنان، هدف ایجاد این حرکت بسیج همه‌گانی مردم علیه طالبان و ایستاده‌گی در برابر تصمیم‌های دوگانه جهان در قبال این گروه است. فعالان مدنی و مدافعان حقوق زنان در افغانستان با راه‌اندازی هشتگ «DoNotRecognizeTaliban» و «NoToTaliban» می‌گویند که هدف‌شان ایستاده‌گی و اعتراض در برابر تصمیم‌های «مغرضانه و

دوگانه» جهان است. به باور آنان، جامعه جهانی به ویژه سازمان ملل متحد، برای به رسمیت‌شناختن طالبان فرصت‌سازی می‌کند. یکی از اعضای این حرکت که نمی‌خواهد نامش در گزارش ذکر شود، در صحبت با روزنامه ۸صبح می‌گوید: «حرکت جمعی و مشترک است که بتواند همه اقوام خود را در آن حرکت ببینند. همه به‌صورت گسترده حمایت کردند. هدف ما بسیج مردمی در بیرون از افغانستان علیه تصمیم جهان در قبال طالبان است. هدف دوم، عکس‌العمل و اعتراض علیه سازمان ملل و تمام کشورهای دخیل در قضیه افغانستان است که در هم‌سوئی با طالب‌ها قرار می‌گیرند. اعتراض در برابر سیاست نامعلوم و مبهم دولت ایالات متحده در قبال طالبان و بعضی کشورهای اروپایی است که بسیاری وقت‌ها دیده شده موقوف‌گیری‌های‌شان غیر قابل قبول است.»

این معترض زن می‌افزاید: «صدای زنان شنیده نمی‌شود، تصمیمی که گرفته می‌شود برای سفیدسازی طالبان است. ما می‌خواهیم با آگاهی‌دهی و بلند بردن آگاهی مردم به ویژه شهروندان کشورهای جهان نسبت به پالیسی‌سازان در رابطه به وضعیت فعلی افغانستان آگاه شوند، آن‌ها را وادار سازند که از این حرکت‌ها و خواست‌های مردم افغانستان حمایت کنند.»

اعضای این جنبش می‌گویند: که حرکت «NoToTaliban» مستقل، خودجوش و از آدرس مردم افغانستان می‌باشد. هیچ فرد، نهاد و یا گروهی نمی‌تواند در داخل یا بیرون از افغانستان ادعای رهبری این جریان را داشته باشد. شمار زیادی از دختران و زنان معترض و فعالان حقوق بشر و جامعه مدنی با اشتراک گذاشتن هشتگ طالبان را به رسمیت نشناسید در این اعتراض مجازی اشتراک کرده‌اند.

معترضان چه می‌گویند؟

معترضان خواستار تحریم تصمیم نشست دوحه شده‌اند. آنان می‌گویند: «طالبان گروه تروریستی و فاشیستی است و از مردم افغانستان نماینده‌گی نمی‌کند. ما مردم افغانستان و خود داریم و صدای خود هستیم. هیچ کسی در نشست دوحه نمی‌تواند برای ما و یا درباره ما صحبت کند. ما نشست دوحه را تحریم کرده به طالبان، طالبان‌نیمس و حامیان طالبان نه می‌گوییم. طالبان را به رسمیت نشناسید.»

این معترضان با اشتراک گذاشتن نوارهای تصویری در شبکه‌های اجتماعی گفته‌اند: «تعامل با طالبان، تعامل با تروریسم است. مردم افغانستان طالبان را نمی‌پذیرند.» آنان با اشتراک‌گذاری هشتگ طالبان را به رسمیت نشناسید، شعارهای زیر را نیز به صورت گسترده همه‌گانی ساخته‌اند: «ما برای جهان عاری از تروریسم به طالبان نه می‌گوییم. برای ما تروریسم صادر نکنید.» «طالبان خطر ذاتی برای جهان و ارزش‌های مدرن هستند. ما تفکر انسان‌ستیز و جهان

که در مورد این کشور داریم. شرکت‌کننده گان نگران ثبات افغانستان هستند و این نگرانی‌های‌شان را جدی ابراز کردند.»

آقای گوتیش در این کنفرانس خبری، خطر حضور گروه‌های تروریستی در افغانستان را برای منطقه جدی تلقی کرده و علاوه کرده است: «با توجه به حضور قابل توجه سازمان‌های تروریستی در افغانستان این یک خطر است برای همه منطقه، نه برای افغانستان. نبود فراگیری [حکومت همه‌شمول] در افغانستان به ویژه در حیطة حقوق زنان، قاچاق مواد مخدر و پیامدهای مخرب آن.»

او در مورد اولویت‌های متفاوت کشورها در بحث‌های دو روزه نشست دوحه سخن گفته و توضیح داده است که مساله اساسی ترجیح دادن به اولویت‌های متفاوت نیست؛ بلکه رسیدن به یک رویکرد همه‌گانی است. آقای گوتیش در این کنفرانس خبری همچنان گفته است: «اشتراک‌کننده‌گان اولویت‌های متفاوتی دارند نسبت به این موارد [حقوق زنان، مبارزه با تروریسم و ایجاد ساختار فراگیر] یک درک عمومی است که این مسایل در هم تنیده و مرتبط هستند. مساله نادیده گرفتن یک اولویت به جای اولویت دیگری نیست؛ بلکه رسیدن به یک رویکرد همه‌گانی است.»

دبیرکل سازمان ملل متحد بیشتر توضیح داده است: «برای این که به هدف خود برسیم، نمی‌توانیم از تعامل دست برداریم. بسیاری خواستند که این تعامل بر مبنای درس‌هایی باشد که از گذشته آموختیم. سازمان ملل متحد از نیروهای خودش برای رسیدن به یک رویکرد استفاده خواهد کرد.»

آقای گوتیش قطع‌نامه ۲۶۸۱ شورای امنیت سازمان ملل متحد را رویکرد یک‌پارچه خوانده و ابراز امیدواری کرده است که این قطع‌نامه بتواند چراغ راه این سازمان باشد. او ارزیابی وضعیت بحران انسانی در افغانستان را بغرنج، پیچیده و دشوار توصیف کرده است. در سخنرانی پایانی نشست دوحه درباره افغانستان آمده است: «ارزیابی پیچیده‌گی و بغرنجی شرایط در افغانستان دشوار است. این پیچیده‌ترین بحران انسانی است که در جهان شاهد هستیم. ۹۰ درصد در فقر زنده‌گی می‌کنند، ۲۸ میلیون نیاز به کمک‌های انسانی دارند تا بتوانند زنده بمانند، ۶ میلیون در شرایط نزدیک به قحطی زنده‌گی می‌کنند، کمک‌های مالی در حال تخریب است.»

دبیرکل سازمان ملل متحد در مورد کار زنان در نهادهای این سازمان و موسسه‌های غیردولتی نیز گفته است: «در حال حاضر زنانی که برای سازمان ملل و انجوها کار می‌کنند، ممنوعیت آنان غیرقابل قبول است. شاهد حمله به حقوق زنان هستیم باید صدا خود را بلند کنیم. وظایف افغانستان را تحت اصول قانون بین‌الملل و اصول عدم تبعیض که هسته سازمان ملل را تشکیل می‌دهد، نیاز به کمک فوری و اضطراری است تا بتوانیم این مشکل را در افغانستان حل کنیم. در کنار افغانستان ایستاده‌ایم، به وظیفه خود عمل کردیم و می‌خواهیم هم‌چنان به وظیفه خود عمل کنیم.»

دبیرکل سازمان ملل متحد در پاسخ به پرسش خبرنگاران که آیا علاقه دارد با مقام‌های طالبان دیدار کند، گفته است که لحظه مناسب فرا برسد با طالبان ملاقات خواهد کرد «اما امروز مساعد نیست.»

این نشست در حالی به پایان می‌رسد که تصمیم جدی و روشن در قبال افغانستان گرفته نشده است. دبیرکل سازمان ملل متحد به گونه تلویحی اشاره کرده است که این سازمان در کنار مردم افغانستان باقی خواهد ماند، اما درباره هشدار دفتر هیات معاونت سازمان ملل متحد که تا پنج ماه می‌سال روان میلادی برای طالبان مهلت تعیین کرده است، چیزی نگفته است. دفتر هیات معاونت سازمان ملل در افغانستان (یوناما) قبل از این گفته بود، در صورتی که طالبان تصمیم‌شان مبنی بر رفع ممنوعیت کار زنان در این نهاد را تغییر ندهند، سازمان ملل متحد تصمیم «وحشت‌ناکی» اتخاذ خواهد کرد. این سازمان گفته که مجبور است میان ماندن و اصول خود یکی را برگزیند. هنوز روشن نیست که طالبان به خواست یوناما تکمیل خواهد کرد و یا خیر.

طالبان در نزدیک به دو سال گذشته به خواست‌های جامعه جهانی که ایجاد دولت همه‌شمول، رعایت حقوق بشر به ویژه حقوق زنان و بازگشایی نهادهای آموزشی و تحصیلی به‌روی زنان بوده است، تمکین نکرده و دست به قتل‌های هدفمند، کشتارهای گروهی و محاکمه صحرایی ادامه داده‌اند.

ویرانگر را نمی‌خواهیم»، «نشست دوحه، فرصت‌سازی برای طالبان است. ما به صداقت نشست‌های دوحه باور نداریم.» و «جست‌وجوی منافع موقتی با طالبان، تن دادن به افراط‌گرایی است. ما به افراطیت تن نمی‌دهیم و قرار نمی‌گیریم»

این معترضان علاوه می‌کنند که هر نوع تعامل و گفت‌وگو در غیاب مردم افغانستان به ویژه زنان در هیچ نقطه جهان قابل قبول نیست و باید مردم در تعیین سرنوشت‌شان دخیل باشند. آنان خواستار ایجاد نظام مبتنی بر خاسته از اراده جمعی هستند و تاکید می‌ورزند که طالبان به چنین نظام باور ندارند و جهان نباید برای تامین منافع موقتی، باعث تقویت تروریسم بین‌المللی شود.

دبیرکل سازمان ملل متحد در کنفرانس خبری پایانی این نشست چه گفت؟

آنتونی گوتیش، دبیرکل سازمان ملل متحد، عصر روز سه‌شنبه، ۱۲ ثور در یک نشست خبری، مسایل مورد بحث این نشست را با خبرنگاران شریک ساخته است. آقای گوتیش در کنفرانس خبری خویش گفته است که اشتراک‌کننده‌گان در نشست دوحه تبادل نظر «صادقانه» داشته‌اند.

دبیرکل سازمان ملل متحد برگزاری این نشست را در راستای تکمیل اهداف قطع‌نامه شماره ۲۶۸۱ شورای امنیت سازمان ملل متحد، عنوان کرده است. او در کنفرانس خبری افزوده است: «تبادل نظر صادقانه داشتیم، خرسندم این جلسه را هم‌زمان با [صدور] قطع‌نامه شورای امنیت که هفته گذشته خواستار شرکت معنادار و امن زنان و دختران افغانستان شده بود ابر گزار کردیم.» معنای این قطع‌نامه را وارد نشست خودمان کردیم.»

آقای گوتیش ظاهراً در پاسخ به اعتراض‌های گسترده شهروندان افغانستان، می‌گوید که در این نشست در مورد به رسمیت شناختن طالبان بحث نشده است. او هدف نشست دوحه را یک‌دست‌سازی رویکرد جهانی در قبال افغانستان توصیف کرده است. دبیرکل سازمان ملل متحد در کنفرانس خبری خود اضافه کرده است: «نشست یک‌سان ساختن رویکرد جهانی در مورد افغانستان بود، نه در مورد به رسمیت شناختن طالبان.»

دبیرکل سازمان ملل متحد در این نشست خبری از مواجه بودن با محدودیت‌ها سخن زده و خواستار همکاری مشترک کشورها در قبال افغانستان شده است. او داشتن «استراتژی تعامل» در قبال افغانستان را مهم خوانده و افزوده است: «اگرچه ما با محدودیت‌هایی مواجه هستیم، اما این به نفع همه طرف‌ها است که در افغانستان با هم‌دیگر همکاری داشته باشند. همه شرکت‌کننده‌گان توافق داشتند که نیاز داریم در یک استراتژی تعامل برای با ثبات کردن افغانستان و هم‌زمان پاسخ‌گویی به نگرانی‌های جدی

نشست دوحه؛

کنفرانس پایانی چه پیام‌هایی داشت؟

محمدعلی نظری



اصلی‌ترین پیام این تغییر اجندا، شنیده شدن و جدی گرفته شدن اعتراض‌ها و انتقادات است؛ به بیان دیگر، هنوز گوش‌هایی هست که صدای مردم افغانستان را در این جهان آشفته می‌شنود و درست‌تر این است که «ناگزیر به شنیدن آن می‌شود».

مساله جهانی و بشری است و اگر نقض شود، با واکنش جهانی مواجه خواهد شد. گوتروش صحبت‌هایش را با اشاره ضمنی به ادامه ماموریت یوناما در افغانستان پایان داد. او گفت که سازمان ملل همان‌گونه که در دو دهه گذشته در کنار مردم افغانستان بوده، به حمایت از این مردم ادامه می‌دهد و به وظیفه‌اش عمل می‌کند. او اما گفت که ممنوعیت کار زنان در آن‌جی‌اوها و سازمان ملل غیر قابل قبول است. با این حال، او به ممنوعیت کار زنان در سایر ادارات و نهادها، از جمله نهادهای دولتی اشاره نکرد. به نظر می‌رسد که در این خصوص، نشست دوحه مانند یوناما میان زنان کارمند سازمان ملل با زنان دیگر فرق قابل می‌شود. در مجموع، کنفرانس دبیر کل سازمان ملل را اگر برآیند فوری نشست دوروزه دوحه در نظر بگیریم، حداقل چهار پیام جدی برای طالبان داشت؛ اما انتظارات مردم افغانستان برآورده نشد. پیام اول، این بود که تروریسم در افغانستان زیر کنترل این گروه تقویت شده و به یک معضل جهانی میدل گشته است. این پیام ادعاهای طالبان را به چالش می‌کشد و توان و اراده آن‌ها را زیر پرسش می‌برد. پیام دوم در مورد حقوق بشر از جمله حق کار زنان در دفاتر سازمان ملل بود که این محرومیت غیر قابل قبول خوانده شد. پیام سوم به طالبان، مساله مواد مخدر بود که آن هم زیر کنترل طالبان افزایش یافته است و توسط این گروه مدیریت می‌شود. کارنامه طالبان در این خصوص نیز زیر پرسش است. پیام چهارم اما برای طالبان مثبت بود؛ این که یوناما می‌ماند. ماندن یوناما، به معنای تداوم ارسال بسته‌های دالر است که بخش بزرگی از آن‌ها به صورت مستقیم توسط طالبان اخذ می‌شود و بخشی دیگر آن به جنگ‌جویان طالبان زیر نام مردم بی‌بضاعت توزیع می‌گردد و بخش سوم هم برای ساختن سرک یا دیگر پروژه‌هایی که مصرف تبلیغاتی برای طالبان دارد، هزینه می‌شود. در صورتی که مدیریت درست کمک‌ها وجود می‌داشت، این خبر برای مردم افغانستان بیشتر خوشحال‌کننده می‌بود؛ اما شرایط طوری دیگر است.

به مردم افغانستان اما دو پیام جدی داشت: این که افغانستان برای جهان یک مساله است و مورد توجه قرار دارد و دوم هم این که صدای مخالفان طالبان هنوز مخاطب دارد و در صورتی که این‌ها بتوانند پیوسته و متحد کار کنند، فرصت برای تغییر وضعیت هست. این پیام‌ها انتظارات مردم را برآورده نکرده است. مردم افغانستان انتظار داشتند که فشار بیشتری بر طالبان وارد شود تا آن‌ها حقوق اولیه مردم را به رسمیت بشناسند و دست از کشتن نظامیان پیشین و غیرنظامیان بردارند.

امنیت اولویت دارد. مساله اصلی مردم افغانستان، زنده ماندن از شر فقر طالب است. مردم باید زنده بمانند و حق کار و زنده‌گی و آزادی داشته باشند تا به مساله مواد مخدر بپردازند. بدون شک مواد مخدر مساله همه جهان از جمله مردم افغانستان است که میلیون‌ها معتاد دارد، اما مردم در کشور با مصایب بزرگ‌تری مانند فقر و طالب دست‌به‌گریبانند. از این لحاظ، به دلیل این که به کشتن‌های و بستن‌های مردم توسط طالبان در کنفرانس دبیر کل سازمان ملل پرداخته نشد، می‌شود گفت که کنفرانس پایانی نشست دوحه در این قسمت ضعیف است. اگر به بازداشت‌ها و کشتارهای بی‌رویه و غیرقانونی توسط طالبان هم در این کنفرانس خبری پرداخته می‌شد، پیام نشست می‌توانست قوی‌تر از این باشد. از سوی دیگر، کنفرانس خبری نشست دوحه بیان کرد که طالبان با دولت شدن فاصله بسیاری دارند. هنوز حتا صحبت کردن از مشروعیت‌بخشی به رژیم این گروه، برای کشورها و سازمان‌های بین‌المللی هزینه دارد. فقط یک صحبت کوتاه امینه محمد، توانست هزینه زیادی روی دوش سازمان ملل بگذارد. با این حال، جهان و سازمان‌های بین‌المللی خود را ملزم به برقراری ارتباط با افغانستان و حاکمان فعلی آن می‌دانند، هرچند این ارتباط به معنای به رسمیت شناختن این حاکمان نیست. دبیر کل سازمان ملل در سخنانش گفت که کشورها روی تعامل یک‌پارچه با افغانستان با اولویت دادن به مردم این کشور کار می‌کنند. طالبان اکنون به چیزی تبدیل شده‌اند که پشت کردن به کشور زیر کنترل آن‌ها هم برای جهان هزینه دارد و برقراری ارتباط با آن‌ها هم. به همین دلیل، گوتروش از پیچیده‌گی وضعیت افغانستان و این که ۹۰ درصد مردم گرسنه‌اند و از سوی دیگر حاکمان فعلی‌اش حقوق بشر را نقض می‌کنند، سخن گفت. او به مساله حقوق بشر، به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین دغدغه‌های مردم افغانستان نیز پرداخت و از جمله گفت که وضعیت حقوق بشری زنان با تصامیم اخیر طالبان بدتر شده است. وی به مکلفیت‌های افغانستان به‌عنوان عضو جامعه جهانی و عضو سازمان ملل، اشاره نمود و از اعمال تبعیض توسط طالبان انتقاد کرد. گوتروش مبارزه علیه تبعیض را هسته سازمان ملل دانست که نقض آن از سوی طالبان، به معنای نپذیرفتن رویه بین‌الملل و اصول سازمان ملل است.

یکی از مسایل دیگر، حمله بر حقوق بشر است. گوتروش گفت که جهان شاهد حملات بی‌سابقه بر حقوق زنان و دختران در افغانستان است و باید علیه این وضعیت صدای خود را بلند کند. در حقیقت به طالبان می‌گوید که مساله حقوق بشر هیچ‌وقت مساله داخلی کسی یا کشوری نیست؛ این یک

جدی گرفته شدن اعتراض‌ها و انتقادات است؛ به بیان دیگر، هنوز گوش‌هایی هست که صدای مردم افغانستان را در این جهان آشفته می‌شنود و درست‌تر این است که «ناگزیر به شنیدن آن می‌شود». بنابراین، انسجام و توحید صداهای پراکنده و ضعیف، برای رسیدن به یک هدف بزرگ‌تر، یک ضرورت فوری است. این بخش کنفرانس، برای مردم و مشخصاً زنان افغانستان، خوشحال‌کننده بود.

«با توجه به حضور قابل توجه سازمان‌های تروریستی در افغانستان، این یک خطر برای منطقه و خود افغانستان است.» این دومین جمله مهم کنفرانس خبری گوتروش بود. این جمله، نگرانی‌های مشترک مردم افغانستان و کشورهای منطقه در خصوص افزایش گروه‌های فعال تروریست در افغانستان زیر کنترل طالبان را بازگو می‌کند. از آن‌جایی که کشورهای منطقه و همسایه نیز در نشست دوحه نماینده داشتند، قطعاً در این خصوص بحث‌های جدی مطرح شده است. ایران، روسیه و همسایه‌های شمالی افغانستان بابت داعش نگرانی بسیار جدی دارند. پاکستان هم تی‌تی‌پی را گروه تروریستی می‌داند و این گروه از افغانستان بر سربازان پاکستانی حمله می‌کند و آن‌ها را می‌کشد، در حالی که نسبت به گذشته قوی‌تر شده است. فعالیت گروه داعش در افغانستان زیر کنترل طالبان، یکی از اصلی‌ترین مساله‌های این کشورها در ارتباط با افغانستان است. ایران و روسیه فکر می‌کردند که می‌توانند داعش را با طلب نابود کنند، اما سلطه طالبان بر افغانستان به جنگ‌جویان داعش شاخه خراسان انگیزه و قدرت بیشتر داده است؛ این یعنی خطر بیشتر برای مردم افغانستان و کشورهای منطقه و همسایه. بنابراین، بخشی از صحبت‌های نشست دوحه، همان طوری که در صحبت‌های گوتروش آمد، به مساله تروریسم با منبع افغانستان اختصاص داشته است. بنابراین، اعضای نشست دوحه ظاهراً به این نتیجه رسیده‌اند که با «طالبان» نمی‌شود علیه «تروریستان» مبارزه کرد.

دبیر کل سازمان ملل اشاره‌ای به مساله مواد مخدر نیز داشت. ایران در ارتباط با طالبان چهار مساله اصلی دارد: حقایق، مهاجران، تروریسم و مواد مخدر. از آن‌جایی که افغانستان بزرگ‌ترین تولیدکننده مواد مخدر جهان است و طالبان نیز آن را حمایت می‌کنند، مسیر اصلی ترانزیت آن به اروپا و سپس امریکا، جمهوری اسلامی ایران است. مواد مخدر یک مساله جهانی است و همه کشورها از جمله همسایه‌های افغانستان را درگیر کرده است. اشاره به این مساله در صحبت‌های گوتروش، جدی گرفتن نگرانی‌های همسایه‌ها است. برای مردم افغانستان حقوق بشر، دولت مشروع، نان و مهم‌تر از همه

افغانستان بار دیگر مورد توجه جهان و سازمان‌های بین‌المللی قرار گرفته است. تعیین هماهنگ‌کننده ویژه سازمان ملل برای افغانستان، اشاره غیرمستقیم به ادامه ماموریت یوناما به رغم ممنوعیت کار زنان از سوی طالبان توسط دبیر کل سازمان ملل در کنفرانس خبری‌اش در دوحه، قطع‌نامه شورای امنیت، برگزاری نشست دوحه و اعلام این که نشست مشابهی در آینده برگزار خواهد شد، به این معنا است که افغانستان هنوز فراموش نشده است. جهان در دوسه‌های بزرگی دارد. گذشته از دوسه‌های دوامداری مانند مساله آب‌وهوایی، جنگ‌های اوکراین و سودان و احتمال درگیری نظامی چین و تایوان، از دوسه‌های فوری جهان است. در چنین جهان آشفته‌ای، هنوز تحركات معترضان افغانستان گوشی برای شنیدن پیدا می‌کند.

نشست دوروزه دوحه که از سوی دبیر کل سازمان ملل میزبانی شد، حاشیه‌های بسیاری داشت. مهم‌ترین حاشیه آن، سخنان امینه محمد، معاون دبیر کل این سازمان، در مورد برداشتن گام‌های کوچک جهت به رسمیت شناختن طالبان بود. این اظهارات اعتراض‌های زیادی را در داخل و خارج افغانستان در میان مخالفان طالبان و تفکر طالبانی برانگیخت. اصلی‌ترین اعتراض‌ها را همانند دو سال گذشته، زنان رهبری کردند. اعتراض‌ها از شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌ها آغاز یافت و به خیابان‌ها در کشورهای مختلف از جمله افغانستان کشانده شد. این اعتراض‌ها سازمان ملل را وادار به پاسخگویی کرد و استنفان دوجاریک، سخنگوی دبیر کل سازمان ملل، به نگرانی‌ها و اعتراض‌های مردم پاسخ داد و گفت که مساله به رسمیت شناسی طالبان در نشست دوحه مورد بحث نیست. آنتونیو گوتروش، دبیر کل سازمان ملل، نیز در کنفرانس خبری پایان نشست دوحه، پس از تعارفات، در همین مورد صحبت کرد و سعی ورزید به نگرانی‌های مردم افغانستان پاسخ دهد. او گفت: «این نشست درباره ایجاد یک رویکرد جهانی نسبت به افغانستان بود، نه درباره به رسمیت شناختن نیروهای حاکم دیفاکتو در افغانستان.»

دومین حاشیه جدی این نشست، حضور حنا ربانی کهر، معاون وزیر خارجه پاکستان، بود که سخنان جنجالی برانگیزی داشت. او گفت که توان‌مندی اقتصادی افغان‌ها، مهم‌تر از نوع حکومت است. کاربران شبکه‌های اجتماعی در واکنش به این اظهارات معاون وزیر خارجه پاکستان، او را نماینده طالبان در نشست دوحه عنوان کرده و انتقادات سخنی را بر او وارد کرده‌اند. این سخنان، برخی از حامیان فکری طالبان را نیز واداشت تا در شبکه‌های اجتماعی، نسبت بین طالبان و دولت پاکستان را رد کنند و به دفاع از این گروه بپردازند.

نشست دوحه همان‌طوری که حاشیه‌های قدرت‌مندی داشت، متن آن نیز نسبتاً قدرتمند بود. آنتونیو گوتروش که مبتکر و میزبان نشست بود، در پایان آن نشست کنفرانس خبری گرفت و پیام و نتیجه نشست را با مردم و رسانه‌ها در میان گذاشت. اعتراض‌ها و انتقادات علیه نشست دوحه، پس از اظهارات امینه محمد، معاون گوتروش، در دانشگاه پرینستون ایالات متحده برانگیخته شد. مردم افغانستان در داخل و خارج، نسبت به پیامدهای عادی‌سازی ارتباط با طالبان و مهم‌تر از آن به رسمیت شناختن این رژیم، ابراز نگرانی کردند. به دلیل این که این اعتراض‌ها بسیار گسترده و شدید بود، گوتروش در آغاز کنفرانسش پس از سخنان تشریفاتی در مورد میزبانی دولت قطر، به همین نگرانی پاسخ داد و طرح مساله به رسمیت شناسی طالبان را رد کرد. با این حال، برخی از دیپلمات‌های حاضر در دوحه به افغانستان انترنشنال گفته‌اند که سخنان امینه محمد اجندای نشست دوحه را مختل کرد، در غیر آن بحث به رسمیت شناسی طالبان مطرح می‌شد. حتا بحث سفر سرپرست وزارت خارجه طالبان به دوحه همزمان با برگزاری نشست و ملاقات او با برخی از اعضای این نشست نیز مطرح شده است. گفته می‌شود که پس از تشدید انتقادات، حضور طالبان و طرح مساله به رسمیت شناختن رژیم آن‌ها، از اجندای جلسه حذف شده است.

اصلی‌ترین پیام این تغییر اجندا، شنیده شدن و



رویای ناتمام؛

صدایه که در آواره گے طغیان مے کند

شده است، خانواده تمنا در جستجوی راهی است تا از این دیار رخت سفر ببندد. آنان پس از مدتی موفق می‌شوند از راه زمینی به سمت پاکستان بروند و در جریان راه در مرز تورخم تمنا بار دیگر با صحنه‌های دلخراش آزاروایت و لتوکوب بی‌رحمانه مردم از سوی طالبان روبه‌رو می‌گردد.

این دختر جوان کشوری که به آن تعلق دارد و آرزوهایش را با یک بیک پستی که در آن چند جلد کتاب و دو جوره لباس دارد، برای همیشه ترک می‌کند؛ زیرا آرزوهایش در این دیار توسط طالبان مجالده شده و امیدی برای آینده برای تمنا و خانواده‌اش باقی نمانده است. از آن پس او رویاهای ناتمامش را در جایی گم می‌کند و از نوشتن متن‌های شاد و خواندن کتاب‌های فلسفی که به‌تازگی به آن علاقه‌مند شده، دست می‌کشد. تمنا در این باره می‌گوید: «بعد از آن فهمیدم که هیچ‌گاهی به روزهای گذشته بر نخواهم گشت و انرژی و انگیزه سابق در وجود نمی‌ماند که همین‌طور هم شد.»



او سفری را در پیش می‌گیرد که فرجام آن را نمی‌داند و با خانواده‌اش بیش از یک سال را در پاکستان در حالت بی‌سرنوشتی سپری می‌کند. تمنا وضعیت خود را پس از وداع با افغانستان توضیح می‌دهد: «حالت روحی و روانی‌ام آن‌قدر خراب شده بود که نه با کسی حرف می‌زدم و نه جایی می‌رفتم. در یک اتاق فقط منتظر این بودم که حداقل سرنوشت ما معلوم شود که ما به کدام سمت روان هستیم.» بالاخره پس از ماه‌ها انتظار در یکی از روندهای تخلیه مهاجران افغان، تمنا و خانواده‌اش به سمت کانادا رهسپار می‌شوند.

با رسیدن به کانادا، تمنا خود را در یک شهر بیگانه می‌یابد که با افراد و جغرافیای آن آشنایی ندارد. شهر مجهز با فناوری نوین و پیش‌رفته‌ای که مردم آن هیچ دغدغه‌ای از جنگ، انتحار و انفجار ندارد. شب‌ها با خیال راحت می‌خوابند و فردا بدون ترس به سمت رسیدن به رویاهای خود گام برمی‌دارند و همه چیز برای رسیدن به آرزوهای‌شان آماده است. هیچ چیزی و هیچ کسی سد راه رسیدن به خواسته‌های‌شان نیست. زنان و دختران در آن‌جا در بند نیستند و آزادانه در مورد زنده‌گی خود تصمیم می‌گیرند.

با مردمی که حالت روح و روان‌شان همانند او آسیب ندیده است، هم‌رنگ و همراه شدن برای او کار ساده‌ای نیست. روزهای اول برای او بسیار سخت می‌گذرد و کسی در آن‌جا نمی‌تواند او را درک کند که او پس از سپری کردن اتفاقاتی دردناکی می‌خواهد دوباره سر پا بایستد. تمنا می‌گوید: «در میان مردمی که آرامش روحی و روانی دارند، من آمده بودم که تمام وجود خود را در جایی جا گذاشته بودم. تمام رویاها و دستاوردهایم که تا یک سال دیگر قرار بود ثمر بدهد و من به نتیجه‌ای می‌رسیدم، همه آن‌ها از من گرفته شده بود و تنها خودم با روحیه افکارم این‌جا آمده‌ام.»

تنها همدردی مردم کانادا، سر تکان دادن و افسوس خوردن به حال او است که با شنیدن و دیدن عکس‌العمل آنان بغض در وجود تمنا تازه می‌شود و روزی نیست که او به حال خود و هزاران دختر افغان دیگر، گریه نکند. اکنون بیش از یک سال از بی‌خانمانی و آواره شدنش می‌گذرد و او همچنان بی‌سرنوشت جاده‌های کانادا را یکی پس از دیگری پرسه می‌زند و منتظر باز شدن درب دانشگاه‌های این کشور است تا از این طریق اندکی به آرزوهایش نزدیک‌تر شود؛ اما دولت کانا قوانین سخت‌گیرانه خودش را دارد و آرزوی تمنا به این زودی دست‌یافتنی نیست. او حالا هر روز از بام تا شام در یکی از رستوران‌ها مصروف کار است تا از این طریق نیازهایش را برآورده کند و در آخر روز به خاطر آرامش روانش در صنف موسیقی اشتراک می‌کند و ویولن می‌نوازد. تارهای ویولن تنها همدم روزهای غربت او است که آن را می‌نوازد و به آواره‌گی روزگارش پینه‌ای از ساز می‌زند. به یاد روزهای خوب در افغانستان چشمانش را می‌بندد و برای رویاهای ناتمامی که در جایی گیر کرده است، تارهای ویولن را به آخر رسانده و آن رویاهای ناتمام را در ذهنش تکمیل می‌کند. تمنا درد خود را با نواختن ویولن می‌سراید و شنونده‌گان با تکان دادن سر از نوازی موسیقی او لذت می‌برند.

نوازی آرامش‌بخش ویولن صنف آموزشی را فرا گرفته است. صدایی که قرار بود در گوشه‌ای از افغانستان نواخته شود، این روزها در جای دیگری در سوگ نرسیدن به آرزوهای دختر جوانی نواخته می‌شود که خودش در دیار غربت و روحش در جاده‌های کابل پرسه می‌زند.

نامش تمنا است، اما به تمناهایش دست نیافته است. او قصد داشت در روز فراغت از دانشگاه، زمانی که کلاه باروری دانش را به سمت رسیدن به رویاهایش پرتاب می‌کند، ویولن بنوازد و برای استقبال این روز ویولنش را بلندتر و قشنگ‌تر از هر زمان دیگری بنوازد تا این ساز نوازش گوش‌هایی شود که به استقبال او آمده‌اند؛ اما چنین نشد. تمنا اکنون در دیار دیگری که حرف از فناوری و پیش‌رفت است و مردمش با آرامش روحی و روانی شب‌ها را در تخت‌های‌شان راحت می‌خوابند و روزها بدون هیچ دغدغه‌ای از خواب برخاسته و به سمت رسیدن به رویاهای خود پا می‌گذارند، پناهنده شده است. او اما هنوز هم خود را در میان اهالی آن دیار، بیگانه می‌یابد. مردمان آن‌جا با دیدن و شنیدن این‌که تمنا از سرزمین جنگ و وحشت آمده است، سر تکان می‌دهند و به سمت او با نگاه‌های ترحم‌برانگیزی که ریشه بغض در دل تمنا را آب می‌دهد، می‌نگرند.

تمنا ۲۲ سال سن دارد و دانشجوی سال سوم دانشگاه کابل بود. او در رشته زبان و ادبیات فارسی درس می‌خواند و قرار بود پس از فراغت نویسنده شود و کتاب‌های زیادی با عنوان‌های مختلفی بنویسد. پس از تسلط طالبان بر افغانستان، با خانواده‌اش به کانادا مهاجر شده و رویاهایش ناتمام باقی مانده است.

روز ۲۴ اسد ۱۴۰۰ خورشیدی است و همه‌هم آمدن طالبان و تصرف کامل افغانستان به دست این گروه، وجود دارد. با این هم تمنا مانند بسیاری از جوانان دیگر هنوز باور نکرده است که طالبان به چنین ساده‌گی شهر او را تصرف می‌کنند و رویاهایش را از او می‌ربایند. آن روز طبق معمول با این‌که وضعیت شهر عادی به نظر نمی‌رسید، تمنا به دانشگاه رفته و در صنف درسی حاضر شده بود.

آن‌چنانی که او می‌گوید، فضای دانشگاه را سکوت فرا گرفته بود و از خنده‌های ته دل دانشجویان خبری نبود. دانشجویان کمتری نسبت به روزهای دیگر در صحن دانشگاه دیده می‌شدند. وقتی پاهایش را آن سوی درب صنف می‌گذارد، چهار تن از هم‌صنفانش را با یکی از استادان در جلو صنف می‌بیند. با رسیدن او به صنف، استاد به دانشجویان می‌گوید: «شما آدم‌های دیوانه‌ای هستید که در این شرایط دانشگاه آمده‌اید. هر لحظه ممکن است طالب برسند. چطور می‌خواهید دوباره به خانه‌های‌تان برگردید؟» بعد از شنیدن این جمله استخوان در بدن تمنا می‌لرزد و در آن لحظه معنای واهمه بعد از جنگ را حس می‌کند.

پس از یک ساعت حضور در صنف، برای آخرین بار

فاجعه سقوط؛

آرزوهای دختر جوانی که بانخ و سوزن دوخته شده است



حمیدی

ساعت ۱۰:۰۰ پیش از چاشت است. یگانه صدایی که در این اتاق کوچک شنیده می‌شود، چرخش ماشین خیاطی است. دختر جوانی ساعت‌ها پشت چرخ خیاطی نشسته تا یک جوره لباس بدوزد و نتیجه زحمت خود را اتو کند. این خیاط جوان که آرزوی سیاست‌مدار شدن را در سر داشت، اکنون روز و شب خود را در پشت ماشین خیاطی سپری می‌کند. او از ناچاری به این کار روی آورده است تا در قسمت تامین مخارج خانواده با پدرش بازو بدهد.

فاطمه (نام مستعار) دختر یک نظامی حکومت پیشین است که پس از سقوط نظام جمهوری، زنده‌گی خانواده‌اش دگرگون شده است. پدر فاطمه با روی کار آمدن رژیم طالبان و سرنگون شدن ارتش افغانستان وظیفه خود را از دست داده و فاطمه مجبور است با خانواده‌اش بازو دهد. او کار بهتر از خیاطی سراغ ندیده و از همین رو، بیشتر روزهای خود را در پشت

چرخ خیاطی شام می‌کند.

این خیاط جوان در صحبت با روزنامه ۸صبح می‌گوید: «پدرم در نظام جمهوری‌ت عاید خوبی داشت. با وجودی که در خانه کرایه زنده‌گی می‌کردیم، معاش پدرم به تمام فامیل ما بسنده بود و از لحاظ اقتصادی زنده‌گی بهتری داشتیم و دست ما برای خواستن کمک پیش کسی دراز نبود.» فاطمه علاوه می‌کند: «در ناز و نعمت بزرگ شدیم. کل خانواده حتا لباس‌های خود را به خیاط

سپری کردن دو امتحان عمومی از مکتب فارغ شده، از تحصیل در دانشگاه محروم است.

این دختر جوان می‌گوید که آرزو داشت پس از فراغت از مکتب، وارد دانشگاه شود و تحصیلاتش را در رشته حقوق به اتمام برساند. او که آرزوی سیاست‌مدار شدن را در ذهنش پرورش می‌داد، اکنون پشت چرخ خیاطی قرار دارد و آرزوهایش را یکی پس از دیگری با تار و سوزن می‌دوزد.

فاطمه سه ماه پس از سقوط نظام جمهوری برای سرگرمی خیاطی را آموخت؛ زیرا طالبان دختران جوان را از رفتن به مکتب، دانشگاه، آموزشگاه و دیگر اماکن آموزشی و تفریحی نمی‌دادند. فاطمه برای این‌که بتواند روزهای دل‌تنگی و محرومیت از آموزش را شام کند، به آموزش خیاطی پرداخت و اکنون دستش با این چرخ خوب می‌گردد.

فاطمه با چهار خواهر، دو برادر و پدر و مادرش در یک خانه کرایه زنده‌گی می‌کند. پدر فاطمه به خاطر مسلکی که در نظام قبلی داشت، نتوانسته در رژیم طالبان صاحب وظیفه شود. او اندکی با کسب رنگ‌مالی خانه‌ها آشنایی دارد و منبع درآمد این خانواده هشت‌نفری حالا خیاطی و پول ناچیز رنگ‌مالی است.

کشورهای منطقه از طالبان چه می خواهند؟



نویسنده: شجاع‌الدین امینی

خروج نیروهای امریکایی از افغانستان و برگشت طالبان به قدرت برای کشورهای منطقه مسرت‌بخش بود؛ چون برخی کشورهای منطقه از جمله چین، روسیه و ایران حضور سنگین امریکا در همسایه‌گی خود را نمی‌توانستند در درازمدت تحمل کنند. گرچه روسیه و ایران در سرکوب طالبان و القاعده پس از ۱۱ سپتامبر و شکل‌گیری نظم پس‌پسین در افغانستان با ایالات متحده همکاری داشتند، اما دیری نپایید که این همکاری به جدایی انجامید و این دو کشور گشودن کانال ارتباط با طالبان را به همکاری با امریکا ترجیح دادند. از زمان برگشت طالبان به قدرت، بیش‌ترین نشست‌هایی که به قصد رسیده‌گی به بحران جاری در افغانستان برگزار شده است، با رهبری و محوریت کشورهای منطقه بوده است. ایران، هند، روسیه و کشورهای آسیای میانه هرکدام نشست‌هایی را میزبان بودند که رسیده‌گی به بحران جاری در افغانستان آجندای اصلی آن را تشکیل می‌داد. کشورهای منطقه نسبت به کشورهای غربی بیش‌تر به بحران جاری در افغانستان می‌اندیشند و می‌کوشند چاره‌ای برای ختم این بحران دریابند. این کشورها می‌کوشند تا راه حل منطقه‌ای که کارآمدتر و راه‌گشتر از راه حل غربی باشد برای پایان‌دادن به بحران افغانستان آرایه کنند نه این که لزوماً در تضاد با راه حل غربی باشد. این کشورها نسبت به کشورهای غربی بیش‌ترین تعامل را با طالبان دارند. سفارت‌های کشورهای منطقه در کابل باز است و همچنان از دیپلمات‌های طالبان در پایتخت‌های‌شان پذیرایی کرده‌اند؛ کاری که کشورهای غربی از انجام آن اجتناب ورزیده‌اند. کشورهای منطقه مطالباتی از طالبان دارند که بارها با مقامات این گروه شریک ساخته‌اند، اما طالبان گام موثری برای رسیده‌گی به این مطالبات برنداشته‌اند. با آن‌هم این کشورها مواجهه نرم و منعطف با طالبان را نسبت به سیاست اعمال فشار بر این گروه ترجیح داده‌اند. برای آن که راز پرهیز از رسیده‌گی به مطالبات کشورهای منطقه از سوی طالبان فهمیده شود، نیاز است به مطالبات این کشورها از طالبان پرداخته شود. در یک نگاه کلی، مطالبات کشورهای منطقه از طالبان را می‌توان به سه بخش تقسیم کرد:

۱- طالبان گروه‌های تروریستی را سرکوب کنند

خطر تبدیل شدن افغانستان به لانه امن گروه‌های تروریستی کشورهای منطقه را شدیداً نگران کرده است. به پیمان‌های که سرکوب این گروه‌ها برای کشورهای منطقه دغدغه است، ایجاد حکومت فراگیر در افغانستان نیست. البته از نظر کشورهای منطقه زمانی می‌توان به سرکوب گروه‌های تروریستی در افغانستان توفیق یافت که حکومت فراگیر و مشروع در این کشور مستقر باشد. نشست‌های منطقه‌ای که طی نزدیک به دو سال اخیر در کشورهای منطقه به‌گونه پیه‌م دارد برگزار می‌شود، لزوم سرکوب گروه‌های تروریستی در افغانستان در محور آجندای آن‌ها قرار دارد. تازه‌ترین نمونه آن حضور وزیران دفاع کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای در دهلی نو بود که با تدویر نشست مشترک نگرانی خود را مبنی بر فعال بودن گروه‌های تروریستی در افغانستان ابراز داشتند. کشورهای منطقه فکر می‌کنند که ناتو به رهبری ایالات متحده عامدانه از افغانستان خارج شده و فضا را برای جولان گروه‌های تروریستی در این کشور باز گذاشته است تا خواب آرام این کشورها برآشفته شود. کشورهای منطقه اگر در زمینه ایجاد حکومت فراگیر تفاوت دیدگاه داشته باشند، در خصوص لزوم سرکوب گروه‌های تروریستی همسویند. از پاکستان که دوست‌دار طالبان است شروع تا هند و تاجیکستان که دوست‌دار طالبان نیستند همه با یک‌صدا خواستار سرکوب گروه‌های تروریستی از سوی طالبان هستند. برای نمونه، احمد مسعود، رهبر جبهه مقاومت ملی، در نشست ویانا اظهار داشت: «آن‌هایی

که جویای دموکراسی‌اند و آن‌هایی که اهداف امنیتی خود را دنبال می‌کنند، طرحی برای افغانستان ندارند.» به نظر می‌رسد که منظور مسعود از دموکراسی خواهان کشورهای غربی و امنیت‌خواهان کشورهای منطقه باشد. از این اظهارات می‌توان این‌طور فهمید که برای کشورهای منطقه، برقراری دموکراسی در افغانستان در مقایسه با سرکوب گروه‌های تروریستی و تامین امنیت مرزها اهمیت چندانی ندارد.

کشورهای منطقه تا این دم به ابراز نگرانی از حضور گروه‌های تروریستی در افغانستان اکتفا کرده‌اند و به سیاست اعمال فشار روی نیاورده‌اند؛ چون فکر می‌کنند که توصیه، شتوق، مدارا و برجسته نشان‌دادن خطر شاید بتواند طالبان را وادار به سرکوب گروه‌های تروریستی کند؛ راهکاری که تا این دم نتیجه نداده است. به نظر می‌رسد عملی که می‌تواند در آینده به رابطه میان کشورهای منطقه و طالبان آسیب بزند، همین حضور و نفوذ گروه‌های تروریستی در افغانستان است. طالبان به کشورهای منطقه در پیوند به سرکوب گروه‌های تروریستی و عدم مزاحمت از خاک افغانستان تعهد داده‌اند؛ اما گامی برای عملی کردن این تعهدات که بتواند رضایت این کشورها را حاصل کند، برنداشته‌اند. از چندی به این‌سو، رابطه میان طالبان و پاکستان به پیمان سابق گرم و دوستانه نیست؛ چون دولت پاکستان فکر می‌کند که طالبان پاکستانی در خاک افغانستان لانه امن دارند و از این طریق دست به فعالیت هراس‌افگانه در خاک پاکستان می‌زنند. همین‌طور، چین به‌رغم آن که رابطه گرم خود با طالبان را محفوظ داشته است، یکی از نگرانی‌های جدی آن جنبش اسلامی ترکستان شرقی است که به باور چین در افغانستان حضور دارد و طالبان برای سرکوب آن کاری انجام نداده‌اند. در اعلامیه‌ای که چندی پیش از آدرس سفارت چین در کابل به نشر رسید، بخشی از مفاد آن به سرکوب جنبش اسلامی ترکستان شرقی اختصاص یافته بود: «جنبش اسلامی ترکستان شرقی یک سازمان تروریستی است که جنگ‌جویان آن در افغانستان تهدید جدی را متوجه امنیت چین می‌سازند و بیجینگ امیدوار است که افغانستان به تعهداتش عمل کرده و اقدامات موثرتری را برای سرکوب تروریست‌ها به‌شمول جنبش اسلامی ترکستان شرقی روی دست گیرد.»

همین‌طور، روسیه و ایران از خطر نفوذ و فعالیت داعش در شمال و غرب افغانستان نگران هستند و طالبان را ناتوان از سرکوب این گروه می‌بینند. تنها دلخوشی کشورهای منطقه به‌ویژه روسیه و ایران این است که طالبان گویا دشمن داعش هستند و همیشه با این گروه در ستیز خواهند بود، ولو این که توان سرکوب آن را نداشته باشند. در خصوص روسیه می‌توان گفت که این کشور هم گزینه تعامل با طالبان را روی میز دارد و هم گزینه هشدار و تهدید را. تا این دم که دیده می‌شود، گزینه اول را بیش‌تر و گزینه دوم را کم‌تر به کار می‌بندد. رزمایش نظامی روسیه با تاجیکستان در امتداد مرزهای این کشور با افغانستان می‌تواند نشان‌گر انتخاب گزینه هشدار از جانب روسیه علیه طالبان باشد. مزید بر این، گسترش قاچاق مواد مخدر از مرزهای افغانستان به بیرون یکی از نگرانی‌های مهم ایران و کشورهای آسیای میانه است. کشته شدن فرمانده مرزبانان تاجیکستان در درگیری با قاچاق‌چیان مواد مخدر ادعاها مبنی بر افزایش قاچاق مواد مخدر از افغانستان به بیرون از مرزها را تایید می‌کند که اقدامات طالبان در این خصوص نتوانسته است قناعت کشورهای منطقه را فراهم سازد.

۲- طالبان حکومت فراگیر تشکیل دهند

ایجاد حکومت فراگیر در افغانستان همچنان یکی از دغدغه‌های مهم کشورهای منطقه است. کشورهای منطقه می‌خواهند حکومتی در افغانستان برقرار شود که از صدر تا ذیل آن گروه طالبان نباشند؛ یعنی

حکومتی باشد که همه نیروهای سیاسی، قومی و مذهبی بتوانند خود را در آینه آن تماشا کنند. برای کشورهای منطقه حضور نیروهای مخالف طالبان در حکومت آینده افغانستان حایز اهمیت است. برخی کشورهای منطقه از جمله روسیه، ایران، هند، و کشورهای آسیای میانه در درازمدت نمی‌توانند روی طالبان حساب باز کنند؛ از این‌رو، به حضور نیروهای مخالف طالبان در بدنه حکومت آینده اهمیت می‌دهند؛ چون فکر می‌کنند اعتماد زیاده از حد به طالبان، سبب خواهد شد تا نیروهای مخالف این گروه به‌ویژه رهبران قومی به‌گونه کامل به دامن کشورهای غربی سقوط کنند که این در درازمدت به زیان این کشورها خواهد بود. کشورهای منطقه به نحوی می‌خواهند موازنه میان طالبان و نیروهای مخالف این گروه (به‌ویژه تاجیکان، اوزبیک‌ها و هزاره‌ها) را نگهدارند. برای نمونه، ایران را در نظر بگیرد. ایران کشوری است که بیش‌از هر کشوری دیگر بر لزوم ایجاد حکومت فراگیر در افغانستان تاکید دارد؛ چون که حضور شیعیان و تاجیکان در ساختار قدرت برای ایران اهمیت دارد و فکر می‌کند که در فقدان حضور این نیروها نمی‌توان در درازمدت تعامل گرم با طالبان را ادامه داد و به تامین مقصود نایل آمد.

به نظر می‌رسد که تاکید کشورهای منطقه بر لزوم ایجاد حکومت فراگیر در افغانستان برای طالبان چندان ناراحت‌کننده نباشد؛ چون از یک‌سو، با زبان نرم و دیپلماتیک سخن می‌زنند و از سوی دیگر، حکومت فراگیری را که می‌خواهند در افغانستان برقرار شود، ماهیت چندان پیچیده‌ای ندارد. در حکومت مطلوب نظر این کشورها، برقراری دموکراسی، رعایت حقوق بشر، حقوق زن، آزادی مطبوعات، جامعه مدنی و احزاب سیاسی می‌تواند نباشد و یا هم پابندی طالبان به رعایت این ارزش‌ها می‌تواند جدی نباشد. از این‌رو، نسخه تجویزی کشورهای منطقه در خصوص ایجاد حکومت فراگیر نسبت به نسخه تجویزی کشورهای غربی برای طالبان کم‌تر کراهت دارد. مزید بر این، کشورهای منطقه عمدتاً سعی می‌ورزند تاکیدشان مبنی بر ایجاد حکومت فراگیر در افغانستان، تحمیل نظر یا مداخله در امور داخلی این کشور تلقی نشود. چین به‌مثابه قدرت بزرگ منطقه می‌تواند مثال خوبی در این خصوص باشد. این واضح است که چین اگر به جدیت در خصوص پیگیری مطالبات کشورهای منطقه پا پیش بگذارد، می‌تواند طالبان را تا جایی قانع کند؛ اما ترجیح می‌دهد با احتیاط پا پیش بگذارد و اصرارش تحمیل نظر یا دخالت در امور داخلی افغانستان تلقی نشود. برای نمونه، بخشی از مفاد اعلامیه‌ای که در فوق از آن نام برده شد، به لزوم پرهیز چین از مداخله در امور داخلی افغانستان اختصاص یافته بود: «چین هیچ زمانی در امور داخلی افغانستان مداخله نخواهد کرد و در پی منافع خودخواهانه و نفوذ در افغانستان نیست و همچنان مخالف هرگونه نفوذ و مداخله خارجی در این کشور است.»

کشورهای منطقه به‌ویژه چین و روسیه به‌مثابه قدرت‌های بزرگ به دو علت نمی‌خواهند برای سایر کشورها مدل حکومتی مشخص کنند. یکی این که این دو کشور پس از جنگ جهانی دوم به‌ویژه جنگ سرد در کشورهای دیگر کم‌تر مداخله داشته‌اند و نمونه‌ای نمی‌توان یافت که دلالت بر تجویز مدل حکومت‌داری از سوی این دو کشور به سایر کشورها کند. دوم این که اگر این دو کشور اراده‌ای برای تجویز مدل حکومت‌داری داشته باشند، نسخه‌ای برای تجویز ندارند. کشورهای غربی دموکراسی را می‌خواهند تجویز کنند، چین و روسیه چه متاعی برای عرضه دارند که با دموکراسی بتواند برابری کند و برای عرضه‌شونده جذابیت داشته باشد. در این دو کشور «اقتدارگرایی» حاکم است و تعمیم این نوع نظم سیاسی به سایر کشورها در شرایط حاضر امکان‌پذیر نیست.

۳- افغانستان تبدیل به حیاط خلوت غرب نشود

کشورهای منطقه، کشورهای غربی به‌ویژه ایالات متحده را در خلق بحران جاری در افغانستان مقصر می‌دانند. به زعم این کشورها، امریکا با خروج غیرمسئولانه افغانستان را در باتلاق بحران افکنده است. کشورهای منطقه فکر می‌کنند تهدیدی از ناحیه افغانستان نمی‌تواند متوجه امریکا باشد؛ اما کشورهای منطقه مستقیماً در معرض تهدیدهای ناشی از حضور گروه‌های تروریستی در افغانستان قرار دارند. تلاش کشورهای منطقه به‌ویژه چین، روسیه و ایران معطوف به این است که افغانستان را از تبدیل شدن به جولانگاه کشورهای غربی دور نگهدارند. برای دست‌یافتن به این مامل دو نوع تلاش به خرج می‌دهند که تا این دم موفقیتی در پی نداشته است. یکی این که سیاست استمالت با طالبان را پیشه کرده‌اند و از تهدید و تحریم اعمال فشار دوری می‌گزینند. نه‌تنها دوری می‌گزینند بلکه امریکا را از ناحیه بلوکه کردن دارایی‌های حکومت پیشین و محروم کردن طالبان از دسترسی به آن سرزنش می‌کنند. دوم این که به تدویر نشست‌های منطقه‌ای مباردت می‌ورزند تا بتوانند راه حل منطقه‌ای برای پایان‌دادن به بحران افغانستان پیدا کنند؛ راه حلی که کشورهای غربی در آن کم‌تر نقش داشته باشند و یا تنها ساخته و بافته دست کشورهای غربی نباشد.

عاملی که سبب شده است تا طالبان این مطالبه کشورهای منطقه را جدی نگیرند، عدم حمایت مالی این کشورها از طالبان و یا هم عدم ارسال کمک‌های بشردوستانه به افغانستان است. این در حالی است که طالبان با کشورهای منطقه می‌توانند به‌راحتی کار کنند تا کشورهای غربی؛ چون که هردو جناح چندان با دموکراسی و ارزش‌های دموکراتیک دم‌ساز نیستند و این وجه مشترک، زمینه را برای دوام کار بهتر می‌تواند مساعد سازد. طی نزدیک به دو سال اخیر، بیش‌ترین کمک‌های بشردوستانه از سوی کشورهای غربی به‌ویژه امریکا به افغانستان ارسال شده است و کشورهای منطقه در این روند سهم ملموسی نداشته‌اند. طالبان فکر می‌کنند که اگر در آینده موفق به ایجاد حکومتی در افغانستان شوند که مشروعیت ملی و بین‌المللی داشته باشد، نیازمند حمایت مالی خواهند بود که این حمایت از عهده کشورهای منطقه برآمدنی نیست. به نظر می‌رسد که طالبان می‌کوشند تا حد امکان موازنه میان کشورهای منطقه و کشورهای غربی را نگهدارند و از لغزش کامل به یک‌سو بپرهیزند. اگر قرار بر لغزیدن باشد، بی‌درنگ به جانب کشورهای غربی خواهند لغزید؛ چون آنان ظرفیت حمایت مالی از طالبان را دارند.

از صفحه ۵

فاجعه سقوط...

فاطمه علاوه می‌کند که ساعت‌ها نشست پشت چرخ خیاطی برای دوختن یک جوره لباس، برایش خیلی دشوار است؛ زیرا او قبل از این‌که از سوی طالبان به زندان خانه محکوم شود، وقت خود را با درس، کتاب و دیدن هم‌سنفانش سپری می‌کرد. او می‌گوید که حتا در خواب هم نمی‌دید که روزی به جای کتاب، تار و سوزن را در دست بگیرد. با وجود دشواری اما نشستن پشت چرخ خیاطی برای سپری شدن روزها گزینه خوبی برای فاطمه است. گاهی تا نیمه‌های شب خیاطی می‌کند تا مزد بیشتری به دست بیاورد. فاطمه خاطر نشان می‌سازد که اگر ۱۰ سال بعد هم زمینه تحصیل برایش فراهم شود، با تلاش دوچند برای رسیدن به رویاهایش تلاش می‌کند. او یک مدت اسارت را تجربه کرده است و قدر دانش را به‌خوبی درک می‌کند. فاطمه می‌گوید: «مید به روزی دارم که به رویاهایم برسم و سیاست‌مدار موفق کشور خود شوم و به زخم زنان سرزمینم مرهم شوم.» این تنها فاطمه نیست که اکنون در زندان سرباز روز و شب خود را سپری می‌کند، بلکه میلیون‌ها دختر جوان دیگر نیز مانند او به جز نشستن در کنج خانه و تحمل فقر و ناداری، گزینه دیگری ندارند. طالبان با تسلط بر کشور در ماه اسد سال ۱۴۰۰ خورشیدی دختران و زنان را به حبس خانه‌گی محکوم کرده‌اند.

فساد و کفایت سازمان ملل در افغانستان، به روایت عجم اوغلو و رابینسون

میرزایی

کتاب «چرا ملت‌ها شکست می‌خورند؟» (ریشه‌های قدرت، ثروت و فقر) یکی از تحسین‌برانگیزترین کتاب‌ها در حوزه نظریه‌پردازی اقتصادی است. کتاب در جست‌وجوی پاسخ به این پرسش است که چرا تفاوت چشم‌گیر و غیرقابل ترمیم میان درآمدها و سطح زنده‌گی در کشورهای ثروت‌مند جهان، همانند ایالات متحده آمریکا، بریتانیا، آلمان و جاپان و میان کشورهای فقیر همچون کشورهای جنوب آسیا، امریکای لاتین و نیز کشورهای آفریقایی وجود دارد. نویسنده‌گان این کتاب، دارون عجم‌اوغلو و جیمز رابینسون، نقش عواملی مثل جغرافیا، وضعیت آب‌وهوا، منابع طبیعی و فرهنگ را کم‌رنگ می‌دانند و پیشرفت اقتصادی را مرهون نهادهای هم‌افزا می‌شمارند و راهکاری که برای تسریع پیشرفت اقتصادی کشورهای فقیر در نظر می‌گیرند این است که رهبران این کشورها برای تحکیم رابطه دولت و ملت گام‌های اساسی بردارند و نهادهایی را تاسیس کنند که برآمده از خود مردم باشند. درباره این نظریه از زمان انتشار کتاب تا کنون، بحث و گفت‌وگو هرگز متوقف نشده است و در کنار تحسین‌های پرشماری که این کتاب دریافت کرده، انتقادهایی هم نسبت به نظریات طرح شده در آن وارد شده که امر کاملاً طبیعی است.

ما در این‌جا قرار نیست در مورد این کتاب داد سخن دهیم. قرار است فقط به قسمتی از فصل پانزدهم کتاب مورد بحث بپردازیم که حرف‌هایی راجع به افغانستان دارد. نویسنده‌گان کتاب «چرا ملت‌ها شکست می‌خورند؟» در فصل پانزدهم کتاب، بحثی را در خصوص ناکامی کمک‌های خارجی برای کشورهای فقیر باز کرده و مثالی که به تفصیل در موردش سخن زده‌اند، درباره ناکامی کمک‌های بیرونی برای ساختن زیربناها و دولت‌سازی در افغانستان بوده است. در سطور آینده گزارشی از این قسمت از کتاب ارایه می‌کنیم و نشان می‌دهیم که سازمان ملل متحد در این راستا نقش و کارکرد مطلوبی نداشته است.

در میان مردم کشورهای فقیر معمولاً نگاه مثبتی نسبت به نقش سازمان ملل متحد به‌عنوان نهاد جهانی وجود دارد. مردم این کشورها مشاهده می‌کنند که در مواقع بحران، سازمان ملل تلاش می‌ورزد از گسترش بحران جنگ در مناطق مختلف جهان جلوگیری و میان گروه‌های متخاصم داخلی آشتی برقرار کند و همچنین به یاری آواره‌گان جنگ و قحطی بشتابد. با این حال، هرگاه اندکی با دقت به نقش این سازمان در کشورهای مثل افغانستان که به شدت وابسته به دست‌گیری خارجی‌ها هستند نگاهی می‌اندازیم، درمی‌یابیم که سازمان ملل گاهی نتوانسته استقلال عمل خود را حفظ کند و به پیروی از قدرت‌های بزرگ جهانی و تمویل‌کننده‌گان اصلی این نهاد به جای آن که به‌عنوان سازمان بی‌طرف عمل کند، سیاست‌های جانب‌دارانه در پیش گرفته است. در بیست سال اخیر، هیات معاونت سازمان ملل متحد در افغانستان که به اختصار به‌نام یوناما یاد می‌شود، در چند مورد به‌صورت علنی در نزاع‌های سیاسی داخلی افغانستان به سود یکی از اطراف کشمکش وارد عمل شده و جدا بی‌طرفی خود را زیر پرسش برده است. همه شاهد بودند که در بحران‌های انتخاباتی ۲۰۱۴ و ۲۰۱۹، یوناما به‌عنوان بازوی قدرت‌مند ثقل‌سالاران عمل کرد و عملاً در تضعیف نهادهای دولتی در کشور نقش تعیین‌کننده داشت.

یوناما یکی از نهادهایی است که در این سال‌ها همواره



نسبت به وجود و گسترش فساد در دولت افغانستان ابزار نگرانی کرده و آن را عامل بی‌ثبات‌کننده به حساب آورده است. با این حال، واقعیت تلخ آن است که خود این نهاد نیز هیچ‌گاهی از فساد مصون نبوده و در حیثیت و کم‌کم‌های میلیاردری خارجی به افغانستان دخالت تام داشته است. نویسنده‌گان کتاب «چرا ملت‌ها شکست می‌خورند؟» به خوبی به این نکته پرداخته‌اند. به گفته نویسنده‌گان کتاب، پس از سقوط طالبان و امضای توافق‌نامه بُن میان مجاهدین و نیروهای مورد حمایت غرب در سال ۲۰۰۱ میلادی، تصور می‌رفت که صفحه تازه‌ای در تاریخ کشور باز شده و مردم افغانستان آرزو داشتند که طالبان را پشت سر نهند و به دست فراموشی بسپارند. کشورهای خارجی‌ای که از روند موجود حمایت می‌کردند به این نتیجه رسیدند که همه آن‌چه افغانستان در حال حاضر به آن نیاز دارد، تزریق بی‌حدوحدصر آن‌چه به دست آمد چیز تعجب‌برانگیزی نبود، چون تجارب چند دهه اخیر ثابت کرده که کمک خارجی به کشورهای ورشکسته و فاقد نهادهای نیرومند، همیشه روند ثابت را طی می‌کند و با شکست فضیحت‌بار مواجه می‌شود. «حالا میلیاردها دالر وارد افغانستان شده بود، اما قسمت کمی از آن‌ها برای احداث زیرساخت‌ها، مدارس یا سایر خدمات عمومی حیاتی برای توسعه نهادهای فراگیر، یا حتی بازگرداندن نظم و قانون، به کار گرفته شد. در حالی که بیشتر زیرساخت‌ها همچنان ویران و بلااستفاده باقی مانده بود، اولین بخش این پول برای پرداخت هزینه یک خط هوایی که مقامات سازمان ملل متحد و سایر مقامات بین‌المللی را جابه‌جا می‌کرد، به مصرف رسید. نیاز بعدی آن‌ها راننده و مترجم بود. بنابراین، آن‌ها اندک دیوان‌سالاران مسلط به زبان انگلیسی و باقی‌مانده معلمان مدارس افغان را به‌عنوان راننده و ملازم خود استخدام کردند و چندین برابر دستمزد ماهانه معمول افغان‌ها را به آنان پرداختند. وقتی اندک دیوان‌سالاران موجود برای خدمت‌رسانی به جامعه کمک‌کننده‌گان خارجی به کار گمارده شدند، جریان کمک‌ها به جای آن که به‌سوی احداث زیرساخت‌ها در افغانستان هدایت شود، شروع به تضعیف دولتی کرد که قرار بود آن را به راه بیاندازد و تحکیم کند.» (ص ۵۹۳)

ماجرای چندین میلیون دالر کمکی که به مقصد

نرسید

نویسنده‌گان در ادامه، ماجرای را نقل می‌کنند که به

جهت اثبات ایده مرکزی کتاب، بر این نکته پای می‌فشارند: به‌رغم آن که کمک‌های خارجی یکی از رایج‌ترین سیاست‌هایی است که دولت‌های غربی به‌عنوان شیوه‌ای جهت مبارزه با فقر در جهان توصیه می‌کنند، کمک‌های خارجی بارها و بارها شکست خود را تکرار خواهند کرد و به اهداف تعیین‌شده‌شان نخواهند رسید. به اعتقاد عجم‌اوغلو و رابینسون، این که گمان کنیم با کمک خارجی می‌توان با فقر مبارزه کرد گمان غلطی است چرا که این تحلیل علت‌های اصلی فقر را نادیده می‌گیرد. «کشورهایی همچون افغانستان به دلیل نهادهای استثمارگرشان فقیر هستند که خود حاصل حاکمیت خفقان‌آور فرادستان ملی و اغلب محلی بر زنده‌گی سیاسی و اقتصادی و فقدان حقوق مالکیت، نظم و قانون یا نظام‌های حقوقی با عملکرد خوب است. همین مشکلات نهادی موجب می‌شود که نهادهای خارجی تأثیرگذار نباشند، زیرا چپاول خواهند شد و رسیدن‌شان به جایی که قرار است بروند محتمل نیست. در بدترین سناریو از این موارد، این کمک‌ها رژیم‌هایی را سر پا نگه می‌دارند که خود ریشه‌ای‌ترین مشکل این جوامع به حساب می‌آیند.» (ص ۵۹۵)

امینه محمد، طالبان و اعتراض‌های مردمی

اخیراً اظهارات یکی از معاونان دبیر کل سازمان ملل متحد، امینه محمد، بحث‌برانگیز شد که در آن از کشورهای جهان خواسته بود در خصوص به رسمیت شناسی طالبان غور کنند. نشستی هم در دوحه در حال برگزاری است که بخشی از آجندای آن به نحوه تعامل با طالبان اختصاص یافته است. گمانه‌زنی‌هایی وجود دارد دال بر این که عده‌ای از مقامات در سازمان ملل متحد تمایل دارند تا رژیم طالبان به رسمیت شناخته شود و در مقابل، از طالبان امتیازاتی گرفته شود.

تا کنون طالبان از هیچ یک از تصمیم‌هایی که توسط رهبری این گروه گرفته شده عدول نکرده‌اند و مطالبات و فشارهای جهانی را به هیچ گرفته‌اند. با این توضیح، بعید به نظر می‌رسد که امتیازدهی به طالبان بتواند این گروه را متقاعد به دادن مثلاً حق آموزش و کار به زنان کند. حتی بدتر از آن، ممکن است به رسمیت شناخته شدن رژیم طالبان، رهبران این گروه را گستاخ‌تر کند و به این نتیجه برساند که نادیده گرفتن اصول بین‌المللی نه تنها هزینه‌ای برای این گروه ندارد بلکه باعث می‌شود نهادهای جهانی نرمش بیشتری در برابر این گروه به خرج دهند.

یوناما در دو دهه اخیر کارنامه درخشانی از خود به جا نگذاشته است. بنابراین، لازم است با صراحت بیشتر در مورد این کارنامه حرف زده شود و نقاط ضعف آن برملا ساخته شود. تلاش بعضی از مقامات سازمان ملل برای به رسمیت شناسی طالبان، نه تنها کمکی برای بهبود اوضاع کشور نمی‌کند بلکه وضعیت حقوق بشر و وضعیت انسانی را در کشور پیچیده‌تر می‌سازد. این که اشخاصی در سطح رهبری سازمان ملل به خود جرأت می‌دهند در مورد رژیمی که به هیچ ارزش انسانی و جهانی پایند نیست، سازش کارانه و همدلانه موضع بگیرند بیانگر این است که برای بخشی از رهبری سازمان ملل، فقرزایی و دفاع از حقوق بشر و حقوق زنان در افغانستان در اولویت قرار ندارد، بلکه احتمالاً اهداف و اولویت‌های کشورهای تمویل‌کننده این سازمان و نیز حقوق ماهانه ده‌ها هزار دالری خودشان از اهمیت بیشتری برخوردار است تا سرنوشت میلیون‌ها انسانی که گروه‌گان طالبان هستند. توقع برده می‌شود که اعتراض‌هایی که از سوی اقشار مختلف مردم افغانستان در برابر اظهارات امینه محمد صورت گرفت، مسوولان سازمان ملل را متوجه ساخته باشد که راهی که در پیش گرفته‌اند به ترکستان است و باید از خیر تعامل سازش کارانه با طالبان بگذرند.

نیکیوی بازتاب‌دهنده‌رخنه گسترده فساد در کمک‌هایی است که از سوی سازمان ملل برای بازسازی افغانستان مدیریت می‌شده است. کتاب از روستایی حرف می‌زند که ساکنان آن، یک اطلاعیه رادیویی را می‌شنوند حکایت‌گر آن که قرار است برنامه جدید چندین میلیون دالری برای بازسازی منازل مسکونی‌شان روی دست گرفته شود. پس از مدت طولانی، تنها چیزی که به آن‌ها از این برنامه چندین میلیون دالری می‌رسد، تعداد کمی از دستک‌ها برای ساخت سقف منازل است که توسط لاری‌های اسماعیل خان، یکی از رهبران محلی مجاهدین در جنوب غرب کشور، به آن‌ها تحویل داده می‌شود. از آن‌جایی که این دستک‌ها بزرگ بوده و امکان استفاده از آن‌ها در این منطقه وجود نداشته، مردم مجبور می‌شوند از آن‌ها به‌عنوان هیزم استفاده کنند. «پس چه بر سر میلیون‌ها دالر پولی که به روستاییان وعده داده شده بود آمد؟ از آن مبلغ ۲۰ درصد به‌عنوان هزینه‌های دفتر مرکزی سازمان ملل در جینوا برداشته شد. باقی‌مانده آن به‌عنوان پیمان کاری دست دوم به یک سازمان غیردولتی واگذار شد که ۲۰ درصد دیگر را برای هزینه‌های دفتر مرکزی خود در بروکسل برداشت و به همین ترتیب در سه لایه دیگر نیز برای هر طرف حدود ۲۰ درصد دیگر از آن‌چه باقی مانده بود برداشت شد. پول کمی که نصیب افغانستان شد به مصرف خرید چوب از غرب ایران رسید و بیشتر آن را کارتل حمل بار اسماعیل خان دریافت کرد تا قیمت‌های کاذب حمل‌ونقل را پوشش دهد. حتا همین تیرک‌های چوبی (=دستک‌های) بسیار بزرگ که به روستا وارد شد خود یک معجزه بود.» (ص ۵۹۳-۵۹۴). عجم‌اوغلو و رابینسون به این نتیجه رسیده‌اند که آن‌چه در روستای مزبور روی داد، واقعه منحصر به فرد نبود. «مطالعات بسیاری تخمین می‌زنند که صرفاً حدود ۱۰ یا ۲۰ درصد کمک‌ها تا کنون به اهداف تعیین‌شده خود رسیده‌اند. تعداد زیادی پرونده کلاه‌برداری در جریان رسیده‌گی است که در آن، مقامات سازمان ملل و مقامات محلی متهمند که کمک‌ها را به جیب زده‌اند. اما قسمت اعظم هدر رفتن این کمک‌های خارجی به دلیل کلاه‌برداری نیست بلکه به دلیل بی‌کفایتی یا حتا بدتر از آن، طبق معمول صرفاً به دلیل ایجاد یک کسب‌وکار برای سازمان‌های کمک‌رسان است.» (همان صفحه)

کمک‌های خارجی و بقای رژیم‌های نامطلوب

نویسنده‌گان «چرا ملت‌ها شکست می‌خورند؟» در



صاحب امتیاز:
مدیرمسئول:
سر‌دبیر:
مسوول افغانستان:
تحلیل‌گران:
دبیر گزارش‌ها:

سنجر سهیل
محمد محق
حسیب بهش
شاحسین رسولی
یونس نگاه، ابومسلم خراسانی و علی سجاد مولایی
فهمین امین

دبیر بخش ویدیو:
خبرنگار ارشد:
ویراستاران:
صفحه آرایی:
پذیرش مقالات:
پذیرش اعلان:
نشانی پستی:
۸ صبح نوشته‌ها را ویرایش می‌کند. سرمقاله بازتاب‌دهنده‌ی دیدگاه صبح است. سایر دیدگاه‌های مطرح‌شده در مقاله‌ها، به نویسندگان آن برمی‌گردد.

نصیر کاوشگر
امین کاوه
محمدعلی نظری، مقیم مهران
رضا مرادی
Info@8am.media
Shaparsepehr@gmail.com ۰۷۸۸۸۸۷۹۹ - ۰۷۰۰۱۷۵۵۱۰
صندوق پستی ۰۳۸-۰۲۵، پسته‌خانه مرکزی، کابل، افغانستان

Publisher:
Sanjar Sohail, Sanjar.sohail@8am.media
Editor-in-Chief:
Mohammad Moheq
Mohammad.moheq@8am.media
Facebook.com/8am.media
Youtube.com/Hashtesubhdaily
Twitter.com/@Hashtesubhdaily
instagram.com/8am.media_official
www.8am.media

رسانه‌های بین‌المللی گزارش داده‌اند که پاری سن ژرمن تصمیم گرفته است تا لیونل مسی، ستاره این تیم را به مدت دو هفته اجازه بازی برای این باشگاه ندهد. خبرگزاری فرانسه سه‌شنبه شب، ۲ می، گفته است که این تصمیم پس از سفر مسی به عربستان سعودی گرفته شده است. مسی روز گذشته در یک سفر سیاحتی با خانواده‌اش به عربستان رفت و این سفر بدون اجازه باشگاه پاری سن ژرمن بوده است. این تصمیم در حالی گرفته می‌شود که چهار هفته به آخر این فصل مانده است. این بازیکن تا این جای فصل، در مجموعه تمام رقابت‌ها ۲۰ گل به ثمر رسانده و ۱۵ پاس گل داده است. تا کنون باشگاه پاری سن ژرمن رسماً در این باره چیزی نگفته و خود مسی نیز واکنشی نشان نداده است.

آغاز دور جدید مذاکرات میان دولت پاکستان و حزب تحریک انصاف



دور جدید مذاکرات میان دولت پاکستان و حزب تحریک انصاف به رهبری عمران خان آغاز شده است. بر بنیاد گزارش نیوز ۱۸، دور سوم مذاکرات میان هیأت حکومت و حزب تحریک انصاف، سه‌شنبه شب، ۲ می، در مجلس شورای ملی پاکستان آغاز گردید. این رسانه، هدف از برگزاری این نشست را «پایان دادن به بن‌بست در خصوص زمان برگزاری انتخابات پارلمانی» این

کشور عنوان کرده است. بر بنیاد این گزارش، دو طرف پیش از مذاکرات خوشبین به نظر می‌رسیدند. شاه محمود قریشی، وزیر خارجه پیشین حکومت پاکستان که رهبری حزب تحریک انصاف را برعهده دارد، گفته که تیم او برای یافتن راه‌حلی برای مشکلات سیاسی در مذاکرات شرکت می‌کند. تنش سیاسی در پاکستان طی روزهای اخیر درحالی وارد مرحله جدیدی شده است که جناح مخالف و دولت آن کشور پس از یک سال کشمکش سیاسی، بازداشت رهبران مخالف، تشکیل پرونده‌های قضایی علیه یکدیگر، اکنون تن

به مذاکره داده و تاکنون دو دوره از آن برگزار شده است. گزارش رسانه‌های پاکستانی از نرمن رهبران سیاسی برای تداوم تعامل و مذاکره به جای موضع‌گیری تند حکایت دارد. بر بنیاد گزارش‌ها، خواست اصلی حزب عمران خان، انحلال فوری پارلمان ملی و دیگر پارلمان‌های ایالتی است تا راه برای برگزاری انتخابات زودهنگام در پاکستان باز شود. اما نمایندگان دولت پاکستان ضمن مخالفت با هرگونه انحلال پیش از موعد پارلمان ملی پیشنهاد داده‌اند که امکان انحلال پارلمان پس از ارایه بودجه سال مالی جدید در ماه جون وجود دارد.



بایدن: رسیده‌گی به اسلام‌هراسی، یکی از اولویتهای حکومت است

رییس جمهور ایالات متحده امریکا گفته که رسیده‌گی به هر نوع نفرت، به شمول اسلام‌هراسی، یکی از اولویتهای حکومت وی است.

جو بایدن، رییس جمهور ایالات متحده امریکا، روز دوشنبه، ۱ می، در سخنرانی به مناسبت بزرگداشت از عید فطر در قصر سفید، نقش مسلمانان در سیاست ایالات متحده و دموکراسی این کشور را مهم خواند.

در این محفل شماری از مسلمانان امریکایی از جمله تعدادی از مهاجران افغانستان مقیم ایالات متحده امریکا، شرکت کرده بودند.

سخنان بایدن در حالی بیان می‌شود که کمیسیون امریکا در امور آزادی ادیان در جهان، روز دوشنبه، ۱۱ ثور، با نشر گزارش تازه‌ای گفته که وضعیت آزادی ادیان در سال ۲۰۲۲ در افغانستان به‌گونه متداوم رو به وخامت نهاده است.

به گفته این کمیسیون، طالبان از اگست ۲۰۲۱ خلاف تعهدات خود برای تغییر و ایجاد سیستم فراگیر، «سرکوب‌گرانه و تعصب‌گرایانه» حاکمیت کرده‌اند.

چندی پیش نیز نشست بین‌المللی با موضوع «اسلام‌هراسی؛ شکل خاصی از نژادپرستی و تبعیض» به مناسبت ۱۵ مارچ، روز جهانی مبارزه با اسلام‌هراسی، با حضور دانشمندان، روحانیون و کارشناسان از ۳۴ کشور جهان در شهر باکو، پایتخت جمهوری آذربایجان برگزار شد.

ارتش پاکستان مدعی کشتن یک فرمانده مهم تی‌تی‌پی شد

رسانه‌های پاکستان به نقل از ارتش این کشور گزارش داده‌اند که یک فرمانده مهم تحریک طالبان پاکستان (تی‌تی‌پی) کشته شده است و دو تن از همراهانش زخم برداشته‌اند.

نیوزدی‌اکسپرس روز سه‌شنبه، ۲ می، گزارش داده که این فرمانده تحریک طالبان پاکستانی جابر شاه نام داشته و در ساحه دربان دره اسماعیل خان خیبرپختونخواه کشته شده است. ارتش پاکستان گفته که جابر شاه در چندین حمله بر نیروهای امنیتی این کشور و تیم‌های واکسین فلج کودکان، نقش داشته است.

مقامات ارتش پاکستان با استقبال از کشته شدن دومین فرمانده تی‌تی‌پی در ادامه عملیات برای نابودی این گروه در مناطق همجوار با خاک افغانستان، تاکید کرده‌اند که این عملیات تا نابودی کامل تحریک طالبان پاکستان ادامه خواهد داشت.

عملیات ارتش پاکستان در بخش‌های قبایلی خیبرپختونخواه بر ضد جنگ‌جویان تی‌تی‌پی چهارشنبه هفته گذشته آغاز شد.



روایات ابوزیتون

روایت شاهی که شد ضارک بابا

اما روایان اخبار و ناقلان آثار و طوطیان شکرشکن شیرین‌گفتار و خوشه‌چینان خرمن سخن‌دانی و صرافان سر بازار معانی و چابک‌سواران میدان دانش (سرور نه) توسن خوش خرام سخن را بدین گونه به جولان درآورده‌اند که در بلاد جابلقا شاهی بود بسی دادبخش و سخاوتمند که او را اشرف‌نوم بود. روایت است که عرصه سخاوتش حاتم طایی را به خشتک دریدن مجبور نموده بود. دریای دانشش کرانه و عرصه بینش نشانه نداشت. گویند روزی ۱۶ ساعت کار کردی و سه ساعت بخیسپیدی و بقیه زمان را نیز اشعار بی‌بدیل ملک‌الشعرای دربار شیخ مرتضوی شنیدی. باری امرای دربار او را دیدندی که پاره‌های معده و روده خویش بریده و پیش سگ افکند. گفتندی یا متفکر دو عالم، چرا چنین کنی و بر هلاکت خویشتن مصر باشی؟ بفرمود: شما ندانید، اندر این کار دو حکمت است. نخست این که آن سگ گرسنه بود و من غریب مادرمده چیزی برای سیر کردن شکم آن سگ نداشتم، ناگزیر پاره‌ای از تن خویش مر آن سگ را دادم. من وقتی از پاره تن خود بر سگی عنایت فرمایم، پس بدانید که خلاق را چه‌ها نمایم. حکمت دیگر این است که چون معده و روده من کوچک باشند، پس کمتر خورم و خزانه بیت‌المال فزون‌تر گردد. گویند ندیمان و دبیران دربار، هفتاد ماه متواتر در مدح این عنایت شاه شعر سرودند و مدال‌ها دریافت نمودند. آغاز سلطنتش چنین بود که در عصر دیموقراسیه خلاق شاه را انتخاب فرمودند. پس یاران و نزدیکان گفتند: ای شاه آینده، رقیب از ما پیشی گرفته است. بفرمود: خلاق را وادارید که ما را رای بیشتر دهند. گفتند: خلاق ندهند. پس بفرمود: گوسفندان را دستور دهید که رای دهند. همان بود که با رای گوسفندی پیروز انتخابات گشتی و تا زنده بودی، حرمت و خدمت گوسفندان کردی و تنی چند از گوسفندان را به خدمت گماشتی. از آن زمان در بلاد جابلقا نگویند چند راس گوسفند، بلکه گویند چند نفر گوسفند. از شیخ ابو حمدالله که محب دربار بود، در رساله (طی طریق از پشت قامفیوتر تا کنار رهبر) نقل است که باری از سلطان پرسید: یا متفکر الاعظم، از بهر چه حسین را نواسه خدا گفتی؟ بگفت: محبت حسین در دل من چنان فزون است که به نواسه پیامبر ننگد، ناگزیر نواسه خدا گویمش که مقدار حب من از الحسین را در من بسنجید. بگفت: پس چرا در نماز جنازه به سجده رفتی؟ بگفت: من سجده نکردم، پاره نانی روی زمین افتاده بود، خواستم آن را بردارم. امرالله مرا گفت یا سلطان، تو برندار، من در جلسه ساعت شش گویم که آن را بردارند.

گویند باری خبرچینان سلطان را خبر دادند که چه نشسته‌ای که بی‌بی گل خاتون، ملکه دربار، ۲۲۰ میلیون به جیب زده است. بگفت: ای نادانان، او به جیب زده است، در جیب گذاشته است از بهر پرموت دخترکان نوباوه. بگفتند: پرموت چه باشد؟ بفرمود: چیزی است شبیه نان، آن را به خلاق نشان دهند، ولی آنان را ندهند. پس خلاق به طمع آن نان همچنان دنبال ما دوان باشند تا شاید ذره‌ای از آن نان آنان را نیز رسد.

گویند چون ملک جابلقا را به لشکر یاجوج و ماجوج تسلیم کرد و خود متواری گشت، از وی پرسیدند: یا سلطان، تو که گفته بودی نمی‌گریزم، چرا گریزیدی؟ بگفت: من نمی‌خواستم بگریزم، داستان از این قرار بود که مراجع حاجت نیاز شد. پس حاجبی را گفتم که نباید رفت بیت‌الخلا. حاجب چرخکی مهیا کرد که ناگهان امرا و خاصان و حاجبان به دنبال من افتادند. بگفتم: شما کجا روید، من که روم بیت‌الخلا همی‌روم. بگفتند: ما را نیز رفع حاجت نیاز باشد شدید. پس در هوا شدیم. مکانی را دیدیم، پرسیدم این مکان برای رفع حاجت خوب است؟ حاجب بگفت: یا سلطان، کسانی قبل از شما این‌جا ریده‌اند. پس هر مکانی را جست‌وجو کردم، دیدم یاران و رفیقان و دوستان و خاصان قبل از من (ریده‌مالش) کرده‌اند. همین‌گونه رفتیم تا رسیدیم به ملک جابلسا، آن‌جا فرود آمدیم. من تا رفتم به بیت‌الخلا، یاران منطقه را به ریدستان مبدل کردند. از خجالت این ریدن دیگر به بلاد خویش برنگشتم. این گونه بود که لشکر یاجوج و ماجوج بر بلاد ما چیره گشت.

از سلطان اشرفو سخنان ناب زیادی به یادگار مانده است. باری بگفت: من جابلقا را در یک سال مرکز صادرات برق می‌کنم. چون یک سال گذشت، بگفتند: یا سلطان، یک سال گذشته و این ملک مرکز صادرات برق نشده است. بگفت: منظور من سالی بود که بیست سال بعد می‌آید. همچنان گویند کسی از وی پرسید که یا سلطان تو که کتاب «نقشه راه صلح» نوشته بودی، چرا در بلاد خویشتن صلح نیابردی؟ بگفت: من نقشه راه صلح را ترسیم کرده بودم، ولی این حمدالله جان نقشه را سرچیه گرفت. نتیجه آن شد که ما به عوض این که از روی نقشه به راه صلح برویم، برعکس رفتیم. گویند چون اجلش در رسید، عزراییل به درگاهش ظاهر شد و به زبان فارسی تازه بگفت: بریم بجیش که وقت رسیده. پس شاه ندا داد: من به‌عنوان سرفروماندان اعلا قوای... عزراییل نگذاشت بیشتر از این صدا بدهد و دهانش را بست و وی به فنا واصل شد.



طنز سیاسی

